نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال هفدهم - شماره ۷۲۸ - یک شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۲ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان



سید رضا صافی کارگردان فیلم سینمائی بالابان :

تنها انتظار ما، رعایت انصاف در نمایش و داوری بود

صفحه ۴



امید بازیافته

انتظارات و امیدهای اهالی رسانه و مطبوعات از مدیرکل جدید فرهنگ و ارشاد استان بوشهر

صفحه۵

روز بوشهر، روز خاطره ها و یادآوری

بوشهر، نسیم نشاط آمیز زندگی





در آستانه نوروز؛

ریشه کنی غریبانه درختان در بوشهر

صفحه۳

۳ اسماعیل حسام مقدم

خاطره، تاریخ، فراموشی

تاملاتی در باب سلطه تاریخ بر زندگی روزمره ایرانیان

٦ علیرضا سنائی دشتی

می توان کلیه امور تخصصی در ساخت و ساز را به سازمان نظام مهندسی ساختمان سپرد

۷

اتاق بازرگانی بوشهر میزبان گفتگوی بخش خصوصی و دولت

از مشکل برق تا سنگ اندازی بانک ها پیش پای پرورش دهندگان میگو

۲

مدیر جمع آوری و فروش اموال تملیکی استان بوشهر:

با سرلوحه قرار نمودن شعار سازمان، امین اموال دولت و حافظ حقوق ملت می باشیم

خبر
شماره ۷۲۸- یک شنبه ۱۱ اسفند
NASIM JANOUB

برنامه های روز بوشهر با محوریت بافت قدیم و تاریخی



مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: در روز بوشهر تمام برنامه های فرهنگی با محوریت بافت قدیم انجام می‌گیرد.

به گزارش از فارس؛ محمد ابراهیم فروزانی در نشست ستاد خدمات نوروز در بوشهر با بیان اینکه در روز بوشهر تمامی برنامه های فرهنگی با محوریت بافت قدیم انجام می‌گیرد، اظهار داشت: برنامه های فرهنگی، نمایشگاه ها، جشنواره ها، نورافشانی، مسابقات فرهنگی و هنری و دیگر برنامه های ویژه هجدهم اسفندماه روز بوشهر در کناره جداره ساحلی بافت تاریخی فرهنگی و در محله های این بافت اتفاق می افتد.

وی افزود: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر در همکاری و مشارکت با شهرداری بندر بوشهر در حال هماهنگی برای اجرای این برنامه ها است.

فروزانی تصریح کرد: هجدهم اسفندماه سالروز افتتاح مدرسه تاریخی سعادت در سال ۱۳۱۷ هجری قمری است و این روز به دلیل اهمیت و جایگاه دانش و تعلیم و تربیت و نقش این نهاد آموزشی در سیر تحولات فرهنگی استان بوشهر این روز به نام روز بوشهر نامگذاری شده و همه ساله برنامه های خاصی در این روز اجرا می شود.

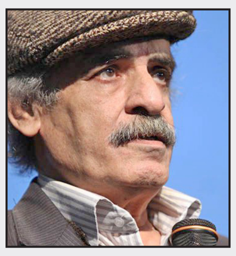


مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان بوشهر ادامه داد: هدف از برگزاری برنامه های فرهنگی ویژه این روز با محوریت بافت تاریخی فرهنگی بوشهر زنده نگه داشتن این بافت و جاری کردن روح حیات و سرزندگی در این نقطه از شهر عنوان شده است.

فروزانی اظهار داشت: ساماندهی جداره ساحلی، ساحل سازی، تأمین نور و آماده سازی مکان های پر ازدحام و گردشگرپذیر در نوار ساحلی بافت و همچنین رسیدگی به منظر شهری و زیبایی معابر و بهداشت محله های بافت در دستور کار شهرداری بوشهر قرار گرفته است.

وی گفت: بافت تاریخی فرهنگی استان بوشهر به عنوان یکی از زیباترین بافت های ساحلی کشور همه ساله بازدیدکنندگان و گردشگران فراوانی مخصوصا در روزهای تعطیلات نوروزی به سوی خود جذب می کند و با یک برنامه ریزی اصولی و توسعه محور می توان این بافت را به عنوان یکی از ظرفیت های جذب توریسم و با رویکرد صنعت گردشگری تبدیل کرد.

خاطرات "قلندرخونه" برای بوشهری ها زنده می شود



تئاتر "قلندرخونه" پس از سال ها با همت استاد ایرج صغیری به روی صحنه خواهد رفت. این کارگردان بزرگ تئاتر کشور به همراه بزرگان تئاتر استان به مناسبت "روز بوشهر" چند صحنه از تئاتر "قلندرخونه" را به روی صحنه خواهند برد. هنرمندان پیشکسوت بوشهری و بازیگران سابق "قلندرخونه" هم اکنون در حال تمرین در یکی از سالن های نمایش این شهر برای حضوری مجدد و خاطره ساز بر روی صحنه با تئاتر "قلندرخونه" هستند.

"قلندرخونه" یکی از نمایش های تاثیرگذار استاد ایرج صغیری در تئاتر کشور بوده که در دوران خود مورد توجه بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر کشور به خصوص علاقمندان به تئاتر و سینما قرار گرفت. گفتنی است در این تئاتر هنرمندان پیشکسوت "قلندرخونه" در نقش اصلی خود به روی صحنه می روند. همچنین چندتن از هنرمندان جوان استان به جای هنرمندان سابق این تئاتر که اکنون در قید حیات نیستند، به ایفای نقش خواهند پرداخت.

شهردار بوشهر: نصب چادر در ساحل بوشهر ممنوع شد



شهردار بوشهر گفت: با توجه به ممنوع شدن نصب چادر در ساحل و پارک‌های بوشهر، ۲۰۰ کانکس برای اسکان مسافران نوروزی در پارک شغاب مستقر خواهد شد.

به گزارش «فارس»؛ سعید آزاد شهرکی در جلسه شورای شهر بوشهر با اشاره به ممنوع شدن نصب چادر در پارک‌ها و ساحل بوشهر اظهار داشت: با توجه به تامین شدن تعداد کمپ‌های مورد نیاز اسکان مسافران نوروزی و به منظور آزادسازی ساحل بوشهر برای استفاده مسافران در تعطیلات عید امسال نصب چادر در ساحل بوشهر ممنوع خواهد بود.

شهردار بوشهر ادامه داد: با اطلاع رسانی از ورودی شهر، مسافران به سمت کمپ‌های احداث شده راهنمایی خواهند شد و همچنین با توجه به اینکه مردم به دستورات نیروی انتظامی تمکین بیشتری می‌کنند از این نیرو نیز برای جلوگیری از نصب چادر در ساحل بوشهر استفاده خواهد شد. آزادشهرکی تصریح کرد: از سوی سازمان همیاری شهرداری‌ها در استانداری، تعداد ۲۰۰ کانکس برای اسکان مسافران نوروزی به شهرداری اختصاص یافته که این کانکس‌ها در پارک شغاب استقرار خواهند یافت.

وی یادآور شد: بدنه شهرداری با هدف خدمت و نظارت بر نحوه ارائه خدمات به مسافران نوروزی همه بسیج شده و آماده به کار هستند. با هدف ارائه خدماتی نظیر تنظیف پارک‌ها و معابر شهری، تعداد ۱۳۰ کارگر خدمات شهری به‌طور موقت در تعطیلات عید نوروز به‌کارگرفته خواهند شد. این مسئول خاطرنشان کرد: خدماتی که در تعطیلات عید نوروز به مسافران نوروزی ارائه می‌شود در مقایسه با سالهای گذشته از کیفیت بیشتری برخوردار خواهد بود و دراین راستا تعداد زیادی سرویس بهداشتی و حمام برای رفاه حال مسافران سفارش داده‌ایم که به‌زودی در مکانهای مورد نظر مستقر خواهند شد. آزادشهرکی با اشاره به اینکه امسال تعداد کمپ‌ها در مقایسه با سالهای گذشته افزایش چشمگیری داشته است، گفت: به زودی زمین متعلق به استانداری که در اطراف میدان انتظام واقع شده به شهرداری واگذار می‌شود و در این نقطه نیز یک کمپ احداث خواهد شد.

رونق گردشگری مستلزم نگاه فرابخشی است



فرماندار بوشهر گفت: برای ارایه کارکیفی و جلب رضایت مسافران و مردم باید به مقوله گردشگری نگاه فرابخشی شود تا زمینه مشارکت و همراهی همه بخش ها را در پی داشته باشد. به گزارش ایرنا حسن ابراهیمی درنشست ستاد هماهنگی خدمات سفر شهرستان بوشهر افزود: عید نوروز یک فرصت مغتنم برای معرفی جاذبه ها و فرهنگ غنی این دیار به دیگر هموطنان است.

وی یادآورشد: برای ارایه خدمات بهینه به کسانی که بوشهر را به عنوان مقصد گردشگری خود در ایام نوروز انتخاب می کنند برنامه ریزی مدونی انجام شده است.

فرماندار بوشهر اضافه کرد: بوشهر افزون بر سواحل بکر و جاذبه های دریایی از پیشینه تاریخی و قابلیت های دیگری نیز برخوردار است که مشاهده از نزدیک آنها برای مردم دیگر مناطق کشور خاطره انگیز است. فرهنگ بومی و مذهبی مردم استان بوشهر درکنار مهمان نوازی آنها قابلیت های گردشگری این استان را دوچندان کرده است. وی افزود: تلاش شده امسال با حفظ نقاط قوت برنامه ایام نوروز سال های گذشته رویکرد جدیدی برای رفاه حال مسافران اتخاذ شود.

رییس اداره آموزش و پرورش شهرستان بوشهر نیز گفت: ۶۰۰ کلاس درس و ۳۵ سالن در قالب ۷۰ آموزشگاه برای اسکان مسافران نوروزی در شهر بوشهر پیش بینی شده است. فرامرز سلیمی فرد افزود: با توجه به این که برخی از مدارس دارای کلاس های هوشمند هستند دغدغه مسوولان و اولیا دانش آموزان ورود مسافر به کلاس های یادشده است که در این باره باید تدبیر شود.

آزادسازی ۳۱۴ هکتار زمین دولتی در بوشهر

مدیراملاک حقوقی اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر گفت: با دستور قضایی و همکاری سربازان گمنام امام زمان(عج) و نیروهای نظامی و انتظامی ۳۱۴ هکتار از اراضی تصرفی شهر بوشهر در منطقه تنگک ها به ارزش حدود دو هزار میلیارد ریال از زمین خواران باز پس گرفته شد.

به گزارش «خلیج فارس؛ عبدالرضا تنگستانی در گفت وگو با ایرنا افزود: براساس طرح دعوی اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر در مراجع قضایی و با دستور رییس کل دادگستری استان و دادستان شهرستان بوشهر این اراضی در دو ماه اخیر از دست متصرفان خارج و به حال سابق بازگردانده شد.

وی اضافه کرد: اجرای حکم رفع تصرف این اراضی با حضور نیروی انتظامی درمحل همکاری سربازان گمنام امام زمان (عج)، اداره کل ثبت اسناد و املاک استان و شهرستان بوشهر و نماینده دادستان شهرستان بوشهر صورت گرفت.

تنگستانی ادامه داد: پرونده افرادی که نسبت به فروش املاک دولت به اشخاص بدون رعایت موازین و مقررات قانونی اقدام کرده اند در دست اقدام و پیگیری است.

تنگستانی اضافه کرد: این اراضی به وسیله افراد سودجو و فرصت طلب به اشخاصی که اطلاعات کافی از مالکیت دولتی این اراضی نداشته اند در قالب قول نامه های عادی فروخته شده که در همین ارتباط پرونده هایی برای این افراد برای طرح در محاکم قضایی و صدور دستورات مقتضی در حال تشکیل است. وی بیان کرد: این کار با هدف مبارزه با پدیده زمین خواری و رفع تصرف از اراضی دولتی با همکاری دستگاه قضایی و نیروهای نظامی و انتظامی در استان بوشهر در حال پیگیری است.

ویژه برنامه دالان تاریخ در هفته بزرگداشت بوشهر



مسئول و ناظر هفته بزرگداشت بوشهر گفت: امسال برای اولین بار بزرگداشت ۱۷۰ سال دفاع، پایداری و صلح هسته ای در بوشهر برگزار خواهد شد.

به گزارش ستاد بزرگداشت روز بوشهر؛ امید پارسایی فر با اشاره به پایداری مردم بوشهر در دفاع از میهنمان، افزود: تاریخ معاصر بوشهر مملو از حماسه ها و ایثارگری های مردمی است که علی رغم سادگی و نجابت خود برای حفظ آب و خاک خود تلاش های فراوانی صورت دادند. وی هدف از برگزاری ویژه برنامه های ۱۷۰ سال دفاع، پایداری و صلح هسته ای را آشنایی بیشتر مردم به خصوص جوانان با مبارزان و شهدای بوشهری در تاریخ معاصر عنوان کرد و اظهار داشت: بوشهر در تاریخ معاصر دین خود را به کشورمان ادا کرده و مردم غیرتمند آن برای مقابله با بیگانگان به خصوص استعمار پیر شهدایی همچون شهیدان احمد خان تنگستانی، باقر خان تنگستانی، شهید رییسعلی دلواری را تقدیم این مرز و بوم کرده است. پارسایی فر همچنین به شهادت چند تن از کارکنان نیروگاه اتمی در دوران دفاع مقدس بر اثر برخورد موشک دشمن به آن اشاره کرد و ابراز داشت: در حال حاضر کمتر کسی از مردم به خصوص جوانان بوشهری اطلاع دارند که اولین شهدای هسته ای از بوشهر و در دوران دفاع مقدس تقدیم کشور شده است. پارسایی فر به ایثارگری های شهید نادر مهدوی و یارانش در جنگ خلیج فارس اشاره کرد و گفت: در ویژه برنامه تدارک دیده شده سعی کردیم با طراحی دالان تاریخی مبارزات و پایداری های مردم بوشهر را در ۱۷۰ سال اخیر به تصویر بکشیم.

جشن پنجمین سالروز استقلال کانون وکلا در بوشهر برگزار شد

در آیینی با حضور استاندار و رئیس کل دادگستری استان بوشهر، جشن پنجمین سالروز استقلال کانون وکلا و بزرگداشت روز وکیل برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، در این مراسم که در مجتمع فرهنگی و هنری نهم دی برگزار شد با استقبال پرشوری همراه بود که با سخنان عبدالصمد دولاح رئیس هیئت مدیره کانون وکلای استان بوشهر آغاز شد.

مصطفی سالاری استاندار بوشهر نیز به عنوان مهمان ویژه در سخنانی به اهمیت کار وکلا اشاره کرد و گفت: وکلا می‌توانند با آگاه ساختن شهروندان از حقوق شهروندی اختلافات درون جامعه را به حداقل برسانند.

رسول سعادتیان یکی از شاعران بوشهر نیز قطعه شعری را با محتوای وکیل و وکالت برای حاضران قرائت کرد.

در ادامه این جشن باشکوه حیدر بحرانی رئیس کل دادگستری استان بوشهر قول مساعد برای برطرف کردن مشکلات اصلی وکلای استان بوشهر داد.

سیروس شهریاری عضو هیئت مدیره کانون وکلای استان بوشهر که یکی از سخنرانان این مراسم بود، به تعریف موضوع استقلال وکلا پرداخت و تاریخچه کار وکلا در ایران و ویژگی نهاد وکلا در فرانسه را برای حاضران تشریح کرد.

غلامحسن افراسیمی دیگر اعضای کانون وکلای استان بوشهر شعری را با محتوای استقلال وکیل مدافع قرائت کرد. عبدالکریم جمیری نماینده مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی نیز به پاس تقدیر از وکلا در این مراسم حضور پیدا کرده بود.

حسن ختام این جشن اجرای موسیقی محلی گروه لیان بود که شور و حال وصف ناشدنی را برای حضار به ارمغان آوردند.

اسلام ریحان زاده مدیر جمع آوری و فروش اموال تملیکی استان بوشهر:

با سرلوحه قرار نمودن شعار سازمان، امین اموال دولت و حافظ حقوق ملت می باشیم



- سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در چه بخش هایی در استان بوشهر فعالیت می نماید. لطفاً اشاره ای به عملکرد این سازمان در سال جاری نمایید؟

- مهمترین وظیفه سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در استان بوشهر تعیین تکلیف کلیه اموالی که (منقول-غیرمنقول) به انحاء مختلف به مالکیت دولت محترم در می آیند می باشد. یکی دیگر از وظایف سازمان نقش حاکمیتی سازمان می باشد که با انهدام و از بین بردن کالاهایی که مجوز استاندارد- بهداشت ندارند و یا تاریخ مصرف آنها تمام شده باشد و یا استفاده از آنها و مصرف آنها از نظر دین اسلام حرام می باشد از ورودشان به کشور در استان جلوگیری می کند که این عمل سالانه هزینه های گزافی متحمل سازمان می گردد. در استان بوشهر تاکنون ۶ انهدام بزرگ در سال ۹۲ داشته ایم.

اموالی که به مالکیت دولت در می آیند. اموال منقول مانند کالاهایی که توسط گمرکات استان متروکه می گردند و یا توسط محاکم قضایی و تعزیرات قاچاق شناخته می شوند و یا ضبط دولت می شوند می باشد.

اموال غیرمنقول: مانند کلیه املاکی که در وثیقه می باشند و به تعهداتشان عمل نکرده باشند و توسط قاضی رأی بر فروش آن ملک صادر گردد.

مدیریت استان بوشهر یکی از مهمترین مدیریتهای سازمان می باشد که به واسطه وجود گمرکات زیاد در استان و همچنین مناطق ویژه اقتصادی ۱ و ۲ و عسلویه دارای حجم زیادی کالای متروکه می باشند. و به علت اینکه یک بندر فعال و دارای طولانی ترین مرز آبی در بین سایر استانها می باشد حجم قاچاق کالا بالا می باشد که تعیین تکلیف این همه کالا و فروش آنها دقت خاصی را می طلبد که الحمدلله این مدیریت با همکاری تمام مسئولین استان گام بلندی در وصول عوارض گمرکی و سایر هزینه های دولتی برداشته است.

در سال ۹۲ در استان توانستیم تعداد ۵۷۶ پرونده را به ارزش ۳۰۴/۰۳۱/۰۵۲/۹۶۴ ریال تعیین تکلیف نماییم.

و از نظر فروش به رتبه دوم کشوری دست بیابیم. با توجه به اینکه سازمان یک سازمان درآمد هزینه ای می باشد کلیه هزینه های سازمان از حمل ۱۰درصد کارمزد در بخش منقول و ۵ درصد کارمزد در بخش غیرمنقول پرداخت می گردد.

الحمدلله با اجرای قانون جدید امور گمرکی و ماده ۲۴ آن کلیه کالاهایی که صاحب دارند و توسط گمرک متروکه اعلام گردیدند توسط سازمان به خود صاحب کالا به فروش رسانیده می گردند.

تاکنون ۱۲ مزایده داشته ایم که به صورت الکترونیکی و رسانه ای اطلاع رسانی می شود و هم میهنان عزیزمان در سراسر کشور می توانند به سایت سازمان WWW.Tamliki.ir مراجعه و به صورت الکترونیکی کالاها را بازدید و پیشنهاد قیمت دهند.

- این سازمان توانسته است در عملکرد استان ها مقام دوم را بدست آورد لطفاً در مورد این ارزیابی و چگونگی این موفقیت توضیح دهید؟

- با بررسی ها و ارزیابی شاخص ها این مدیریت در بین سایر مدیریتهای دیگر در کشور توانست به رتبه دوم دست یابد که این کار و یا این عمل بزرگ با داشتن مشکلات فراوان و کمبود زیرساختها توسط کارکنان زحمت کش و پرتلاش این مدیریت صورت نمی گرفت.

بی شک باید بگویم این مهم برای ما اگر نبود حمایتهای مسئولین در استان هرگز محقق نمی گردید. هر چند از نظر ارزیابی می توانم بگویم که بوشهر با توجه به کمبود نیروی انسانی و زیرساختها استحقاق مقام اول را داشت. قطعاً این عزیزان قابل تشکر و قدردانی می باشند.

- چرا؟

- چون که حقوق و عوارض گمرکی و بندری خیل زیادی از کالاهایی که به مالکیت دولت درآمدند را وصول نموده اند.

- وضعیت سازمان نسبت به سالی که آن را تحویل گرفتید، چه تغییری نموده است؟

- این مدیریت در سالی که آن را تحویل گرفتم (۱۳۹۰) خرابه ای بیش نبود و هیچ گونه امکاناتی نداشت و کارمندان هیچ گونه امتیاز و توجهی به آنها نگردیده بود اما با پیگیری های به عمل آمده و برنامه ریزی منسجم و تعامل صمیمانه با دستگاههای مرتبط و حمایتهای مجموعه استانداری چه استانداران قبل و چه استاندار کنونی و همچنین حمایتهای بی دریغ جناب آقای بیات مدیرکل محترم سازمان امور اقتصادی و دارایی استان بوشهر و مدیرکل سازمان بنادر و دریانوردی، ناظر محترم گمرکات استان، مدیرعامل مناطق ویژه اقتصادی، مدیرکل محترم دادگستری و دادستان محترم، مدیرکل تعزیرات حکومتی، مدیرکل استاندارد و رئیس محترم دانشگاه علوم پزشکی (معاونت دارو و غذا) و سایر دستگاههای عضو ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز را همیشه داشته ایم و انصافاً در تمام مشکلات به این مدیریت کمک کرده اند و توانستیم با ایجاد یک محیط کار آرام و پرانرژی و تعویض وسائط نقلیه فرسوده روحیه کاری را دوباره در همکاران ایجاد کنیم و با نظارت دستگاههای نظارتی و اجرایی صحیح قانون به این موفقیت دست یابیم.

ارزیابی بنده این است که تاکنون سازمان در تهران به بوشهر توجهی نداشت که عدم این توجه باعث کم توجهی به خواسته های کارکنان این مدیریت بوده که الحمدلله با این اتفاق نگاه ویژه ای به مدیریت استان بوشهر گردید.

- چه برنامه هایی برای سال آینده دارید؟

- برای سال آینده با برنامه ریزی هایی که سازمان ابلاغ نمودند سعی بر این داریم که تعامل را با دستگاههای مرتبط حفظ نماییم تا انشاءالله بتوانیم گام بلندی در تحقق درآمدهای دولتی باشیم قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز از ۹۲/۱۲/۶ اجرا گردید و در این قانون سازمان به جای گمرک به عنوان تحویل گیرنده کالاهای قاچاق می باشد که باید با برنامه ریزی درست و دقیق و تبادل نظر با ستاد و همچنان وظایف محوله قبلی به شکل صحیحی انجام وظیفه گردد. من قول می دهم که در سال جدید در اسرع وقت و با فوت زمانی بسیار کم نسبت به اجرای صحیح قانون جدید ستاد مبارزه با قاچاق گام مؤثری برداریم.

- سخن آخر؟

- در پایان از مردمان شریف و بزرگ استان می خواهم این سازمان یک سازمان دولتی و وابسته به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می باشد و با حفظ و رعایت کلیه موازین شرعی و قانونی اقدام به فروش اموالی می نماید و خرید از این سازمان کمک به دولت می باشد. ما با سرلوحه قرار نمودن شعار سازمان امین اموال دولت و حافظ حقوق ملت می باشیم سعی بر این داریم که هم حق دولت را بگیریم و هم نگذاریم حقی از شخصی ضایع گردد. که امیدوارم به یاری پروردگار کمترین خطا را داشته باشیم. در پایان باید از نصایح پدرانه عالم فرزانه حاج آقا صفایی بوشهر امام جمعه شهر بوشهر و نماینده محترم ولی فقیه در استان تشکر و قدردانی نمایم. این مدیریت آماده هرگونه مشاوره و راهنمایی با مراجعه به دفتر به آدرس بوشهر- میدان امام خمینی (ره)- خیابان بیسیم (جانبازان)- نبش کوچه جمالی برای خریداران و صاحبان اموال را دارد.



خاطره، تاریخ، فراموشی

تاملاتی در باب سلطه تاریخ بر زندگی روزمره ایرانیان

اسماعیل حسام مقدم



در جوامعی که درک و شناخت انسان ها از کارکرد جامعه عاملی مهم و تعیین کننده در شکل دادن به تحولات جاری و آتی اجتماعی تلقی می شود، آنچنان که سوژه انسانی وزن مهمی در تاثیرات و تاثرات دارد، تاریخ و تاریخ نگاری وجه مستمر و پویایی دارد. در این جوامع از آنجایی که انسان دارای مسئولیت و «فردیت» خاص خودش است، برای تصحیح مسیر تاریخی اش، همواره دست به نقد، ارزیابی و واسازی تجاربش می زند، خطر می کند و زیر سوال می برد. اما در مقابل، جوامعی که تاریخ اشان را بازیچه ی روزگار یا حاصل کشف مسیری از پیش تعیین شده تلقی می کنند، که در این بستر اجتماعی، انسان حائز اختیار و اهمیت نیست تا با مسئولیت پذیری فردی به نقد و ارزیابی مسیر تاریخی خود بپردازد. تکاپوی تاریخی اش نیز بیشتر مصادره به مطلوبی است در تایید باور دلخواه قدرت، محتاط و هراسان از طرح هر گونه پرسش نو و انتقادی و تکرار خود راضی می شود. تاریخ تکراری، تاریخ نویسی تکراری و تاریخ خوانی تکراری! این وضعیت ملال آور تکرار خود و تاریخ خود، آنچنان در فضای شوونیستی و ناسیونالیستی کهنه در شهرها و روستاهای کوچک، ریشه دوانده که هیچ فضایی برای اندیشه ها، روایت های جدید و کنش های اجتماعی جدید و نو متصور نیست.

این یادداشت انتقادی بر تمام مقالات و کتب تاریخی ای است که به خصوص در جنوب ایران (استان بوشهر) تحریر شده اند. پرسش هایی مطرح است که چرا این همه نوشتار تاریخی تولید می شود؟ چرا روش شناسی آن نوشته ها این قدر شبیه به هم هست؟ چرا همچنان به تاریخی پرداخته می شود که مناسبات قومی ـ قبیله ای دهه ها و حتی سده ها پیش را زنده و احیا می کند؟ چرا تاریخ فضاهای شهری و زندگی روزمره ی مردمی، به نگارش درنمی آید که در سال های دور کافه ها، سینماها، حمام های عمومی، پاتوق ها و ... را در محیط زندگی خود داشته اند ولی اکنون از هیچ کدام که خبری نیست حتی احساس نیاز و ضرورت به آن نیز در اذهان عمومی یافت نمی شود؟ یا این خیل عظیم نوشته های خاص تاریخی به چه اهدافی دست یافته خواهد شد؟ داستان های همیشگی، خاطرات تکراری، جنگ های قبیله ای ـ طایفه ای تکراری و زندگی تکراری، آیا روند تکرار انحطاط و امتناع تفکر و زیستِ ذهنی ـ تاریخی، را تشدید نمی کند؟ تشخص یافتگی افراد در این چنین تاری هایی به چه سرانجامی منتهی می شود؟ مهاجرت همواره رو به تزاید جوانان

این یادداشت انتقادی بر مقالات و کتب تاریخی ای است که به خصوص در جنوب ایران (استان بوشهر) تحریر شده اند. پرسش هایی مطرح است که چرا این همه نوشتار تاریخی تولید می شود؟ چرا روش شناسی آن نوشته ها این قدر شبیه به هم هست؟ چرا همچنان به تاریخی پرداخته می شود که مناسبات قومی ـ قبیله ای دهه ها و حتی سده ها پیش را زنده و احیا می کند. داستان های همیشگی، خاطرات تکراری، جنگ های قبیله ای ـ طایفه ای تکراری و زندگی تکراری، آیا روند تکرار انحطاط و امتناع تفکر و زیستِ ذهنی ـ تاریخی، را تشدید نمی کند؟

و از این چنین فضاهایی، آیا ارتباطی وثیق با فضای تکراری و تار عنکبوت زده ی تاریخی این گونه ذهنیت های جمعی ندارد؟ اساسا این شیوه ی نگارش تاریخی و تاریخ خوانی، در ارتباط با چه فضای مناسباتی قدرتی، به خود سامان می دهد؟ پل ریکور؛ فیلسوف فرانسوی در سخنرانی ای که در پژوهشکده ی حکمت و ادیان، ارایه داد، به تحلیل و تفسیر خاطره نسبی ـ جمعی و ارتباطش با عمل سوگواری و فراموشی پرداخت. اساس بسط تحلیل هایش مبتنی بر چند مقاله ی تجربی از زیگموندفروید؛ پدر روانکاوی، بود که اعتقاد داشت که «برخی از بیمارانش با تکرار خاطرات مشخصی از دوران کودکی خود، از درمان شدن ابا دارند. گویی این تکرار، آنان را از مسئولیت زندگی به مثابه ی یک فرد آزاد، مبرا می کرد.» این عمل غیرارادی تکرار خاطراتی خاص از دوران گذشته توسط بیمار، تجربه ای بود که بیمار را به زعم فروید به انجام «عمل سوگواری و عزا» وا می داشت، به نوعی که فرد بیمار با این عمل، رنج ناشی از دوباره گنجاندن آن چیزهایی که از دست داده» را بر خود هموار می کند تا جای خالی آن را دوباره پر کند. لذا این فرآیند رنج آور عمل سوگواری، در صورتبندی ای که برای روان شخص بیمار ایجاد می کند، به زعم فروید باعث تحریک «عقده ی مرگ (تاناتوس)» فرد می شود. و این رخداد روانی، خود «به نوعی موجب برانگیختن روحیه ی خشونت ـ خصومت و جنگی فرد می شود.» پس می توان گفت که این رنج بردن باعث رشد و نمو غریزه مرگ که به نوعی مولد فرهنگ مرگ ـ جنگ ـ خشونت می باشد، می شود. از این تجربه ی روانکاوانه ای فروید، پل ریکور در پیوندی که خاطره ی فردی را با خاطره ی جمعی (به واسطه ی نظریه ی موریس هالبواکس) قرار می دهد، اذعان می دارد که عملی که فرهنگ جمعی مرگ (جنگ) را به وجود می آورد، خود نتیجه ی پیوند میان عمل خاطره ی جمعی و عمل سوگواری جمعی برای گذشته ای مثلا درخشان می باشد. لذا به زعم او، اجبار به تکرار در حوزه ی خاطره ی جمعی؛ همان نقش گذشته به منزله ی شبح سایه افکن را بازی می کند.» و این جاست که عملِ «فراموش کردن» را تنها راه رهایی درِ جایی که جمعی، توانایی و قابلیت رهایی از تکرار اجباری خاطرات ندارند، را بیان می کند و می گوید «خاطره ای که قابلیت فراموش کردن را نداشته باشد، خاطره ای است که توان بازگو کردن رویدادها را هم ندارد. بنابراین ما باید فراموش کنیم، وگرنه قابلیت بازگو کردن را نخواهیم داشت.» به نظر می رسد که این پروسه ی تکرار اجباری برخی خاطرات گذشته ی یک جمع، خود، نشان دهنده ی آنومی ای است که گویا در ارتباط با نوعی قدرت ایدئولوژیک خود راسامان می بخشد، تا شاید منافع گروهی خاص را در این نوع تاریخ نگاری و تاریخ خوانی ها رعایت کند. (آنچنان که در نظریه قدرت/حقیقت میشل فوکو آمده است.) به زعم پی یر انسار در کتاب «ایدئولوژی ها، کشمکش ها و قدرت»: «... آنچه حائز اهمیت است، این است که مفاهیم تجدید گردند، و این درست همان چیزی است که آیین ها، جشن ها، نغمه سرایی ها و (تاریخ نگاری ها) بر عهده می گیرند. آنچه یادآور می گردد، فقط مفهوم فراگیر تجربه ی مشترک نیست، بلکه شِمای مشروعیتی نیز هست که قدرت ها و تبعیت ها، حقوق خواجگی و وظایف بندگی را تعیین می کند.» لذا به نظر می رسد تاریخ نگاری هایی که در مکان مذکور شکل می گیرد، به نوعی یا در اختیار نوعی سامان دهی به مشروعیت اقوام ـ قبیله ـ افراد ... خاصی و یا در خدمت زنده نگه داشتن همان غریزه جنگ ـ خصومت ـ خشونت دیرینه ی تاریخی بین چند مکان ـ شهر ـ قوم ـ خوانین ... می باشد و گویا در طول تمام این سال ها و گذر زمان بر جغرافیای شهری، هیچ اتفاقی، رخدادی، خاطره ای یا چیزی ـ ... جدید رخ نداده که اگر این گونه باشد، یا نوعی سکته ی تاریخی ـ جغرافیایی خاص رو به رو می شویم، که همین وضع را پیچیده تر می کند.

فریدریش نیچه در کتاب «تاملات نابهنگام» خود می گوید که دوره ای در تاریخ آلمان هست که آلمانی ها از آن به منزله ی دوران شکوفایی یاد می کنند و دائما به بازآفرینی قهرمانان این دوره می پردازند. او از این تکرار اجباری که به نوعی درونی شده ی افراد می شود، به مثابه ی توهمی یاد می کند که مانع از داشتن تصوری از حال و آینده می شود و لذا همین جاست که می گوید «دقیقا زمانی که خاطره به ما اجازه ی تصور آینده را نمی دهد، فراموشی، عملی ضروری است.» (همان عملی که ملت آلمان در زمان رایش سوم؛ هیتلر انجام نداد و باعث سر برآوردن خصومت ها و خشونت های تاریخی اش شد.) بنابراین، چه بسا، تنها راه رهایی از این سکته ی تاریخی ـ جغرافیایی، عمل «فراموشی» باشد. «فراموشی» همه ی آن مولفه ها و خاطره های «خاص و ویژه ی تاریخی» ای که، عرصه را به دلیل دارا بودن مناسبات با قدرت، بر دیگر خاطرات جمعی ـ نسلی تنگ کرده است.

در آستانه نوروز؛ ریشه کنی غریبانه درختان در بوشهر

رضا معتمد



طی روزهای گذشته یک ردیف از درختان خیابان ساحلی بوشهر (حد فاصل میدان نیروی انتظامی تا سه راهی صدف) به شکلی غریبانه و حتی بی رحمانه ریشه کن شده اند. درختان ریشه کن شده که تعدادشان بیش از ۸۰ اصله برآورد می شود، در ردیف چهارم بولوار شهید فکوری قرار داشته اند و معلوم نیست پس از ریشه کن شدن به چه سرنوشتی دچار گردیده اند. تاکنون علت و ضرورت «واقعی» ریشه کنی این درختان که در تکمیل زیبایی این بولوار نقشی مهم داشته اند، (آن هم در روزهای منتهی به نوروز) مشخص نیست. طبق قاعده، پاسخ گوی این اقدام باید مدیر سازمان فضای سبز شهرداری بوشهر باشد اما پاسخ های آقای «رضا آماره» مسئول این سازمان هم چندان قانع کننده نیست. وقتی با این مسئول محترم تلفنی تماس می گیرم تا دلیل این کار را بپرسم، ضمن این که می پذیرد که این اقدام به دست فضای سبز شهرداری صورت گرفته، دلیل این اقدام را «یکسان سازی نوع درختان بولوار» ذکر می کند. هنگامی هم که می پرسم چه ضرورتی داشته درختان سبز که همگی از نوع بنجامین و درختچه های گلدار بوده اند را آن هم در آستانه نوروز و حضور مسافران ریشه کن کنید تا به جایشان درختان «کنوکارپوس» بکارید، پاسخ ایشان این است که «ما این ها را ریشه کن نکرده ایم بلکه آنان را در جای دیگر کاشته ایم؟ ضرورتش را هم ما تشخیص می دهیم نه شما!»

می پرسم: «این درختان را در کجا کاشته اید؟» پاسخ این است: «در پارک ها کاشته ایم.»

می گویم: «جسارتاً مشخصا در کدام پارک کاشته اید؟» می فرماید: «نمی توانم به شما بگویم.»

می پرسم: «یعنی این که این درختان را کجا کاشته اید، موضوعی محرمانه است؟» می گوید: «بله محرمانه است؛ من موظف نیستم به شما پاسخ دهم من باید به شهردار پاسخ گو باشم؛ آقای شهردار در جریان کار ماست.»

می پرسم: «آیا صحت دارد که این درختان را ریشه کن کرده اید تا مهمانسرای یکی از نهادها برای نوروز به چشم مسافران بیاید؟» می گوید: «نه این موضوع اصلاً صحت ندارد» و تاکید می کند «ما این درختان را به قصد یکسان سازی جابه جا کرده ایم.»

اصرارم در گفت و گو با آقای آماره برای این که بدانم بالاخره این درختان کنده شده را در کجا کاشته اند، به جایی نمی رسد. او در پاسخ به این جمله من که « به عنوان یک شهروند و برای اطمینان خاطر نسبت به این که راست می گویید این درختان را ریشه کن نکرده اید، از شما می خواهم بگویید آنان را کجا کاشته اید»، فقط می گوید: «وقتی جوانه زدند و سبز شدند، خبرتان می کنیم» و باز هم تاکید دارد: «من فقط باید به شهردار پاسخ دهم نه شما.»

با همه ی این ها عمق کم چاله های به جا مانده از درختان و همچنین ریشه های به جا مانده از آنها، قبول ادعای مسئول فضای سبز شهرداری بوشهر را با تردید جدی مواجه می کند که این درختان ریشه کن نشده اند. نظر دو تن از کارشناسان کشاورزی نیز بر این است که حتی اگر این درختان مجدداً هم کاشته شوند، با توجه به جنس و سن آنها رویش مجددشان بسیار دور از ذهن است.

با این حال گفته می شود علی رغم ادعای مسئول فضای سبز شهرداری، این درختان در راستای تعامل با یکی از نهادها و با دستور مستقیم شهردار ریشه کن شده اند و ادعای ریشه کنی آنها یا به گفته مسئول فضای سبز شهرداری «جابه جایی شان» به قصد «یکسان سازی» نادرست است. می ماند اعضای محترم شورای شهر بوشهر که امیدواریم پاسخ دهند:

اولا آنان در جریان این امر بوده اند یا خیر؟ ثانیا آنان در جریان علت این ریشه کنی هستند؟ آیا به آنان هم گفته شده این درختان به قصد یکسان سازی ریشه کن یا جابه جا شده اند؟ مردم از این اعضای محترم که سوگند راست گویی خورده اند، انتظار پاسخ صادقانه دارند. آنان باید پاسخ دهند که چرا اجازه داده اند این درختان در یکی از دیدنی ترین نقاط شهر آن هم در آستانه نوروز و حضور مسافران ریشه کن شوند، آیا آنان ادعای مسئول فضای سبز را تایید می کنند؟

سخنی با جناب شهردار

جناب آقای آزادشهرکی! شما که از روز انتصابتان تاکنون مدام بر جدیت بر اجرای مُرّ قانون تاکید داشته اید و تا آنجا هم پیش رفته اید که برای پافشاری بر تخریب دکه ی یک شهروند و اجرای قانون، کلی قشون و حشم گرد آورده اید، لطفا بفرمایید:

۱- در جریان ریشه کن کردن بیش از هشتاد درخت در خیابان شهید فکوری بوده اید؟

۲- آیا راست است که این کار با دستور شما صورت گرفته است؟

۳- اگر با اطلاع شما بوده بر اساس کدام مجوز قانونی چنین دستوری صادر کرده اید؟

۴- آیا شورای شهر را هم در جریان قرار داده اید؟

۵- توجیه شما در ریشه کن کردن این درختان یا به قول مسئول فضای سبزتان «جابه جایی» آنان چیست؟ امیدوارم شما مثل ایشان مردم و مخاطبانتان را جاهل فرض نکنید و در پاسخ نفرمایید برای «یکسان سازی درختان بلوار» این کار را انجام داده اید. زیرا لازم نیست انسان حتما کارشناس فضای سبز یا زیبا سازی باشد تا بداند ریشه کنی (یا به ادعای مسئول فضای سبز شهرداری، جابه جایی) یک ردیف درخت زیبا و گلدار در بولوار ساحلی و باقی گذاردن تعدادی گودال آن هم در آستانه نوروز و حضور مسافران نوروزی کار درست و عاقلانه ای نیست، بلکه داشتن کمی عقل کفایت می کند تا انسان بداند اگر هم چنین کاری ضرورت داشت، می بایست بعد از تعطیلات نوروز صورت می گرفت. مگر این که موضوع یکسان سازی و جابه جایی از اساس نادرست باشد (که بر اساس اطلاعات و شواهد متاسفانه چنین است) که آن وقت باید جناب عالی و مسئول فضای سبزتان پاسخ گو باشید. شما برای تضییع حقوق شهروندان و مسئول فضای سبزتان هم علاوه بر تضییع حقوق مردم، برای عدم صداقت و ابراز مطالب خلاف واقع.انتظار می رود جناب عالی مثل مسئول فضای سبزتان رفتار نکنید و حداقل برای اثبات این ادعا که این درختان ریشه کن نشده اند، مردم و رسانه ها را قابل بدانید و دستور دهید مسئول فضای سبز بگوید درختان از ریشه برآورده را در کجا کاشته اند.

چهار محل بوشهر، بافت قدیمی با قدمتی تاریخی

فراز غلام زاده



محله بهبهانی

یکی از قدیمی ترین محله های بوشهر، محله ی «بهبهانی» است. قدمت این محله از آن روست که بنیان بندر قدیمی بوشهر در ساحل شرقی و دماغه ی شمالی آن «باسیدون» و کنار خور آرام و مصون از بادها و طوفان ها نهاده شده است. ساکنان قدیمی بندر خانه های خود را در نزدیکی ساحل می ساختند تا از مواهب دریا بهره مند شوند. نقاشی هایی که سیاحان در سفرنامه های خود از منظره ی شهر ترسیم کرده اند، مؤید این مطلب است. اما اینکه این محل قبل از نام بوشهر چه نامی داشته، به درستی روشن نیست. به تدریج در اثر رونق تجاری بندر، مهاجرین زیادی به بوشهر آمده و در نقاط مختلف شبه جزیره، به خصوص در نزدیکی بندر (چهار محل) ساکن شدند. در این میان گروهی از تجار و علمای بهبهان نیز در سده های ۱۲ و ۱۳ هجری قمری به بوشهر مهاجرت کردند. این عده درست در جایی مستقر شدند که فاصله ی چندانی با بندرگاه نداشت. انتخاب این محل از سوی مهاجران بهبهانی ناشی از هوشمندی و درایت آنها بود. این محله بعدها به واسطه ی نفوذ علما و تجار این مهاجران به «بهبهانی» معروف شد. در این محله علاوه بر خانه های ساکنان، تعدادی دکان و همچنین پنج مسجد به نام های «مسجد غریب»، «مسجد کوفه»، «مسجد دهدشتی»، «مسجد قبری» و «مسجد باباحاجی» وجود داشته که بسیاری از آنها تخریب شده است. همچنین تعدادی حمام در محله ی بهبهانی ها وجود داشته که معروف ترین آنها عبارت بودند از «حمام خان»، «حمام طلا»، «حمام قبری» (مخصوص زنان). زیارتگاه معروفی به نام «قدمگاه خواجه خضر» نیز در این محله وجود داشت. پرتراکم ترین خانه های بوشهر در این محله قرار گرفته اند و بسیاری از خانه ها به طرز باشکوهی ساخته شده اند.

محله ی دهدشتی

در میان چهار محله ی قدیمی بوشهر، محله ی دهدشتی نسبت به سه محله ی دیگر از وسعت و قدمت کمتری برخوردار است. نام این محله از نام مهاجرانی گرفته شده که از «دهدشت» (در استان کهگیلویه و بویراحمد کنونی) به بوشهر مهاجرت کرده و در این محل رحل اقامت افکندند. حضور تجار و بزرگان بهبهان در بوشهر، در مهاجرت عده ای از اهالی دهدشت بی تأثیر نبوده است.

سال ها بعد عده ای از اهالی «دوان» (روستایی نزدیک کازرون) که از استعداد خوبی هم برخوردار بودند به بوشهر مهاجرت کرده و در همین محل مستقر شدند. این گروه از نظر مذهبی در بوشهر تأثیرگذار بودند. هر دو گروه مهاجرین (دهدشت و دوان) در بوشهر عموماً به کار تجارت و بازرگانی مشغول شدند و برخی از آنان در زمره ی تاجران بزرگ و موفق بوشهر درآمدند، مانند حاج محمد حسین تاجر دهدشتی بوشهری. برخی از دهدشتی ها در کارهای اداری و منشی گری در کنسولگری های روس و انگلیس مشغول شدند و به شهرت هم رسیدند.

اکثر جمعیت یهودیان بوشهر نیز در همین محله سکونت داشتند و یکی از کنیسه های آنها نیز در همین محله قرار داشت. معماری محله ی دهدشتی مانند دیگر محلات مرکزی شهر بوشهر است. تنها مسجد مناره دار بوشهر به نام «مسجد پیرزن» (فاطمه زهرا (س)) که گویا بانی آن مادر زایر خضرخان تنگستانی بوده است، در این محله قرار دارد. علاوه بر اینها، «مسجد دهدشتی»، «مسجد دوانی ها»، «مسجد شیخ جابر» (دیگر وجود ندارد) و «مسجد نمکی»؛ تعدادی حسینیه، یک حمام به نام «حمام نمکی» هم وجود داشته و دارد.

شایان ذکر است که اهالی محله ی دهدشتی علاوه بر تجارت با داخل و خارج ایران، قسمتی از بازار بوشهر را نیز در اختیار داشتند و تا مدت ها برخی از اقلام غذایی بوشهر از اطراف کازرون و دهدشت تأمین می شد.

محله ی شنبدی

تقریباً چسبیده به محله ی بهبهانی، البته با یکی دو کوچه فاصله، و کمی دورتر از ساحل، دو محله ی «شنبدی» و «دهدشتی» قرار دارند. محله ی شنبدی که سابقاً محله ی «خشوی» هم نامیده می شد، یکی از قدیمی ترین و بزرگ ترین محله های شهر بوشهر به حساب می آید.

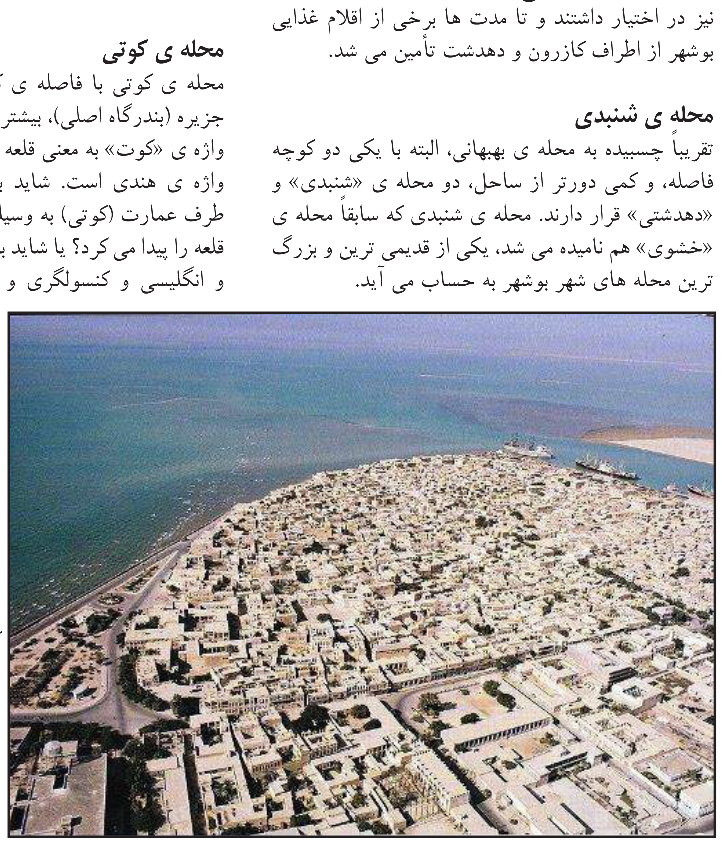
در این محله قبل از حضور خاندان «آل عصفور» در بوشهر و استقرار آنها در این محله، عده ای عرب اهل تسنن و ارامنه و تعدادی اروپایی زندگی می کردند. بعد از مهاجرت خاندان «آل عصفور» از بحرین به بوشهر که در اوایل دوره ی قاجار صورت گرفت (۱۲۱۶ه.ق) و افزایش نفوذ مذهبی این خاندان بحرینی، به تدریج این محل به نام جد یازدهم آل عصفور «شیخ شنبه» به محله ی «شنبدی» معروف شد.

از آنجا که عده ی زیادی از مهاجرین کازرونی در این محل مستقر شدند، و بعضی از آنها مانند سید محمدرضا کازرونی بوشهری از متمول ترین تجار منطقه ی خلیج فارس بودند و شهرت جهانی داشتند، این محله به محله ی اعیان نشین بوشهر تبدیل شد. یکی از ویژگی های محله ی شنبدی، قرار گرفتن بازار در قسمتی از محدوده ی آن است. به همین جهت بسیاری از مهاجرین جذب بازار می شدند و یا کار تجاری یا اداری را پیشه ی خود می ساختند.

محله ی شنبدی هم مانند محله ی بهبهانی از بافت های قدیمی شهر بوشهر است. خانه ها و مراکز تجاری و مذهبی قدیمی آن از معماری بسیار زیبایی برخوردارند. چهار مسجد معروف به نام های «مسجد جمعه» (قدیمی ترین مسجد شبه جزیره ی بوشهر)، «مسجد ملک»، «مسجد نو»، «مسجد قصاب ها» و تعدادی حسینیه و یک کلیسا (کلیسای ارامنه گریگوری، ۱۸۱۹م) و یک زیارتگاه به نام (قدمگاه عباس علی) که مورد احترام مردم بوشهر است، در این محله قرار دارد.

محله ی کوتی

محله ی کوتی با فاصله ی کمی از کناره ی شرقی شبه جزیره (بندرگاه اصلی)، بیشتر در کناره ی غربی قرار دارد. واژه ی «کوت» به معنی قلعه یا حصار یا برج و بارو، یک واژه ی هندی است. شاید به سبب مسدود بودن چهار طرف عمارت (کوتی) به وسیله ی اتاق ها، راهروها شکل قلعه را پیدا می کرد؟ یا شاید به علت حضور نظامیان هندی و انگلیسی و کنسولگری و کمپانی هند شرقی انگلیس (۱۷۶۳) برای حفاظت از این منطقه، حکم برج و بارو یا قلعه داشته است.



به هر حال محله ی کوتی به سبب اینکه از زمان زندیه محل استقرار حاکم بوشهر بوده و نیز به واسطه ی حضور کمپانی هند شرقی انگلیس و وابستگان تجاری و سیاسی آن و نیز وجود کنسولگری انگلیس در آنجا، یکی از اشرافی ترین محله های بوشهر محسوب می شده است. بعدها که ادارات دولتی، برخی تجارتخانه ها، مدرسه ی مشهور «سعادت» بوشهر و کنسولگری های کشورهای دیگر در این محله استقرار یافتند، از نظر اجتماعی و فرهنگی، نسبت به سایر محلات بوشهر، محله ی کوتی ویژگی خاصی یافت، زیرا بسیاری از اهالی این محله از کارمندان تجارتخانه ها یا دولت یا کنسولگری ها یا شرکت های کشتیرانی بودند.

در این محل علاوه بر فارس زبان ها و دیگر ملیت ها، چند خانواده ی عرب نیز زندگی می کردند. برخی از اهالی قدیمی این محله، مهاجرانی از ریشهر، دواس و بنادر ساحلی یا روستاهای اطراف بوشهر و همچنین مهاجرانی از بحرین بودند. در محله ی کوتی سه مسجد معروف به نام های «مسجد شیخ سعدون»، «مسجد فیل»، «مسجد امام حسن»، «مسجد عرب ها» و تعدادی حسینیه و یک کلیسا (کلیسای ظهور مقدس،۱۹۱۱م؛ که امروز وجود ندارد)، به اضافه ی بزرگ ترین آب انبار بوشهر، یعنی آب انبار قوام (که امروز در محل آن، قهوه خانه و سفره خانه ی قوام ساخته شده است) وجود داشت و دارد. بناهای این محل از حیث معماری، ترکیبی از معماری ایرانی و غربی است که شکل ساختمان ها و چشم انداز دریا، منظره ی بوشهر را بسیار زیبا نشان می دهد.

آیا پدر و مادر می‌میرند؟

«داستان بی‌پدر و مادر شدن زبان فارسی!»

محمدعلی بختیاری



دو واژه پدر و مادر از کهن‌ترین واژگان بشری است که در همه زبانهای آریایی مشترک است. وجود این دو کلمه آهورایی در زبان فارسی، از نخستین نشانه‌های اصالت آریایی ما ایرانیان است. جواهر لعل نهرو (نخست وزیر دانشمند و فقید هند) در کتاب «نامه‌های پدری به دخترش می‌نویسد: "برای شناخت اقوام آریایی دو کلمه مأنوس پدر و مادر را بررسی می‌کنیم: در زبان هندی آنها را «پتا» و «ماتا» می‌گویند، در زبان سانسکریتی «پتر» و «ماتر» و در زبان لاتینی این دو کلمه «پاتر» و «ماتر» می‌باشد. در زبان یونانی «پاتر» و «متر»، در زبان آلمانی «فاتر» و «موتر» در زبان فرانسوی «پر» و «مر» و در زبان انگلیسی «فادر» و «مادر»، همچنین در دیگر زبان‌های آریایی نیز کلماتی شبیه به این دو کلمه هست" (کتاب نامه‌های پدری به دخترش صفحه ۱۲۱)

بدبختانه سالهاست که ما ایرانیان به دلایلی که پی بردن به آنها نیازمند بررسی‌های جامعه شناختی و روان شناختی است، از بکار بردن واژه‌های آشنا و اصیل فارسی (از جمله همین دو واژه پدر و مادر) پرهیز می‌کنیم و ناخودآگاه در زبان نوشتاری و حتی شفاهی رسمی‌مان واژه‌های بیگانه را بکار می‌بریم. این امر در آگهی‌های ترحیم و تسلیت و تبریک و خوشامدگویی (به صورت آگهی‌ها و اعلامیه‌های روزنامه‌ای و دیواری و نیز پارچه نوشته‌ها) نمودی کاملا چشمگیر دارد. در این آگهی‌ها بجای پدر و مادر واژه‌های بیگانه سامی همچون «ابوی، ام، والد و والده» و نیز در مورد برادر و خواهر و دختر و همسر واژه‌هایی همچون «اخوی، همشیره، صبیه، زوجه، متعلقه و حتی عباراتی همچون «ابوالزوجه و ام‌الزوجه» بکار برده می‌شود! (همشیره به گفته ادیبان یک واژه مجعول و عوامانه است که معلوم نیست به چه دلیل کسانی آن را بجای خواهر بکار می‌برند.)

هر چند مبحث «زبان پاک» و «سره نویسی» به شکل افراطی آن مردود و منسوخ است، با اینحال بی‌مبالاتی و سهل انگاری در امر نوشتن جایز نیست و به زبان فارسی آسیب می‌رساند. در جایی که یک واژه اصیل، آشنا و زیبای فارسی وجود دارد، هرگز نباید از واژه بیگانه استفاده کنیم، چرا که بکار بردن معادل عربی بجای واژه فارسی، کم کم به تضعیف، فراموشی و مرگ واژه فارسی منجر می‌شود. چنانکه در طول تاریخ ، به همین شکل و با رواج کلمات و اصطلاحات عربی، صدها و شاید هزاران واژه زیبا، باستانی و پرمعنای فارسی به دست فراموشی سپرده شده است. واژه‌هایی که روزگاری در زبان مردم کوچه و بازار ایران زنده و رایج بوده است ولی امروزه در دل لغت نامه‌ها جا دارند و دیگر کسی جز ادیبان و فرهیختگان معنای آنها را نمی‌داند. (مانند کلمات و واژه‌های زیبای شاهنامه، تاریخ بیهقی، سمک عیار و ...) زبان پرشکوه و پرافتخار فارسی بزرگترین سرمایه جاویدان ما ایرانیان و مهمترین دستمایه وحدت ملی ماست. نیاکان ما برای حفظ فرهنگ و هویت ایرانی و زبان فارسی هزاران سال رنج برده‌اند و جانفشانی کرده‌اند. جای آن است که فرزندان آنها نیز یادگار پاک پدران خویش را ارج نهاده و آن را پاس بدارند.

همکار محترم جناب آقای عزیز دشتی دوست

زندگی کن!

حتی اگر بهترین هایت را از دست داده باشی. چون این زندگی کردن است که بهترین های دیگر برایت می سازد. ما را در غم خود شریک بدانید. روحش شاد.

همکاران شما: محمد تخشا، حسین گلگون، محسن برازجانیان، غلامرضا مشایخی، مسعود نخعی، حیدر امیری، سیدضیا مصلح، نصرالله سلیمی فرد، علیرضا کامیاب، حسن حیدری، رضا سیاهوشی، ابراهیم مشایخ، محمود همت، مهدی صالحی زاده، ولید صفری، احمد خالق پناه و مجید اصلانی

با حضور فرهنگیان بوشهر برگزار شد

آیین بزرگداشت نعمتی زاده و صلصال



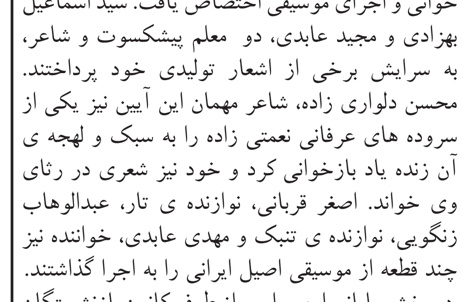
آیین بزرگداشت محمد رضا نعمتی زاده و ماندنی صلصال، دو معلم و شاعر هم اقلیمی، و با حضور جمع زیادی از فرهنگیان و معلمان بوشهر، در تالار کانون فرهنگی امام بوشهر برگزار گردید.
در این مراسم که به ابتکار کانون بازنشستگاه آموزش و پرورش بوشهر، و با عنوان « آیین یادکرد زنده یاد استاد محمد رضا نعمتی زاده و نکوداشت استاد ماندنی صلصال» و با حضور خانواده های این دو چهره ی فرهنگی برپا شده بود، کانون بازنشستگان با اهدای دسته گل و لوح سپاس به همسر نعمتی زاده، نام و خاطره ی ماناياد نعمتی زاده را گرامی داشت.



در این آیین ، کانون هم چنین از صلصال، از فرهنگیان پیشکسوت استان، نیز با تقدیم دسته گل و لوح نکوداشت تجلیل کرد. صلصال که اینک دوران بازنشستگی خود را سپری می کند، به رغم ابتلا به بیماری پارکینسون و ناتوانی جسمی که حتی سخن گفتن را برای وی دشوار کرده است، به خوانش اشعاری



از خود و از جمله سرودن شعری در ستایش از نعمتی زاده پرداخت.
سخنران اصلی این برنامه دکتر سید جعفر حمیدی بود که ضمن ارج نهی به به شأن دانش و معلم، بازنشستگی را به مثابه ی حضور حاضر و غایب تفسیر کرد و کار فرهنگی و معلمی را کاری معنوی معرفی نمود.
این استاد بازنشسته ی دانشگاه که ۵۵ سال کنشگری در عرصه ی تعلیم، تدریس و تربیت را در کارنامه ی خویش دارد، از پیشینه ی پر خاطره ی خود از نعمتی زاده و صلصال سخن گفت و از آنان به نیکی یاد کرد.
بخشی از برنامه ی این گردهمایی فرهنگی نیز به شعر خوانی و اجرای موسیقی اختصاص یافت. سید اسماعیل بهزادی و مجید عابدی، دو معلم پیشکسوت و شاعر، به سرایش برخی از اشعار تولیدی خود پرداختند. محسن دلواری زاده، شاعر مهمان این آیین نیز یکی از سروده های عرفانی نعمتی زاده را به سبک و لهجه ی آن زنده یاد بازخوانی کرد و خود نیز شعری در رثای وی خواند. اصغر قربانی، نوازنده ی تار، عبدالوهاب زنگویی، نوازنده ی تنبک و مهدی عابدی، خواننده نیز چند قطعه از موسیقی اصیل ایرانی را به اجرا گذاشتند.
در بخش پایانی این مراسم، از طرف کانون بازنشستگان به سید اسماعیل بهزادی، مجید عابدی و محمد رضا احمدی، مجری مراسم لوح تقدیر اهدا گردید.



سید رضا صافی کارگردان فیلم سینمائی بالابان :

تنها انتظار ما، رعایت انصاف در نمایش و داوری بود

این گفتگو در اوائل سال ۱۳۹۰ از سوی بولتن جشنواره بین المللی فیلم کیش با سیدرضا صافی کارگردان فیلم سینمائی (بالابان) انجام شده است. فیلمسازی که در اولین ساخته سینمائی خود به رقابت با بزرگانی چون داریوش مهـــرجوئی، مهدی صباغزاده، محمد بزرگ نیا، ابوالفضل جلیلی، جمال شورجه، و دوازده کارگردان نام آشنای ایرانی و خارجی دیگر رفت.

– متأسفانه این فیلم با توجه به اینکه به فرهنگ بومی یکی از مناطق ایران می پردازد، اما در جشنواره فیلم فجر به خوبی نمایش داده نشد. اما این امکان به وجود آمد تا در جشنواره بین المللی فیلم کیش که یکی از اهداف آن توجه به فرهنگ بومی است، حضور پیدا کند.

– بله. متأسفانه همین طور است که میفرمائید. در واقع بهتر است بگوئیم که این فیلم در جشنواره فجر اصلاً دیده نشد و داوری هم نشد. احتمالش را می دادم که بدلیل شهرستانی بودن فیلمساز و عدم استفاده از چهره های شناخته شده در فیلم، کمتر مورد توجه قرار گیرد؛ ولی بی مهری در این حدّ را اصلاً به هیچ وجه تصور نمی کردم! وضعیت نمایش، حذف اکران فیلم در برج میلاد و کیفیت پخش برای جشنواره فجر که قرار است پیشانی سینمای ایران باشد، مایه تأسف بود. در مورد داوری هم احساس می شد که داوران محترم اصلاً این فیلم را ندیده بودند. حتی اگر یکی دو سکانس از این فیلم را با دور تُند هم می دیدند، آراء هیئت داوری قطعاً چیزی می شد غیر از نتیجه های فعلی! بگذاریم و بگذریم. مظلومیت فرهنگ و کسی که قصد جهاد واقعی فرهنگی را در این سرزمین دارد، تراژدی دنباله داری است که ظاهراً حالا حالاها تمامی ندارد.

– کمی درباره موضوع و فضای فیلم توضیح می دهید؟

– بالابان نام پرنده ای شکاری از خانواده شاهین است. پرنده ای که هر ساله مسیر صحرای منجمد سیبری تا نقاط گرمسیر را بصورت رفت و برگشت طی می کند. استانهای جنوبی و بخصوص بوشهر یکی از گذرگاههای این پرنده زیبا، مغرور و گرانقیمت است. هر ساله تعدادی از این پرنده ها در استان ما صید شده و با قیمتهای گزاف برای شکار و تفرّج شیوخ، به کشورهای حوزه خلیج فارس فروخته می شوند. داستان فیلم من رابطه بین شاهین (پسر نوجوان فیلم) و تلاش او برای بدست آوردن یکی از این پرنده هاست.

– آیا بالابان از ساختار کلاسیکی برخوردار است و یا آن را یک اثر تجربی می دانید؟

– بالابان به شدت ساختاری قصه گو و ماجرا محور دارد. اما به لحاظ روایت تصویری فکر می کنم فیلمی اگر نه تجربی اما حداقل در سینمای ایران بسیار جسورانه و سخت است! شما وقتی برای روایت چنین قصه ای ناچار به مدیریت بیش از پنجاه لوکیشن و فیلمبرداری در شرایطی باشید که هر آن ممکن است مورد حمله حیوانات وحشی قرار بگیرید، اهمیت این موضوع بیشتر نمایان می شود. قطعاً یکی از دلایل طولانی شدن فیلمبرداری (سه ماه) همین امر است. مضافاً اینکه تنوّع زوایای فیلمبرداری از p.o.v پرنده در آسمان گرفته تا تصویربرداری زیر آب و زیر زمین! تا کار متوالی بر روی دریا و کوه و بیابان با حضور حدود ۴۰ نفر بازیگر در ۲۰۰۰ پلان و بیش از دویست و پنجاه پلان اسپیشیال افکتیو و... شما را در مقام تهیه کننده و کارگردان با پروژه ای مواجه می سازد که در بعضی مواقع صدای خُرد شدن استخوانهایتان را به گوش خود می شنوید.



– چطور تصمیم گرفتید برای ساخت اولین فیلم بلند سینمایی خود سراغ سوژه متفاوتی بروید که قطعا چنین آثاری مخاطب خاص خود را دارد؟

– اصولاً قصه های معمولی و سر دستی، زیاد من را تحریک نمی کند که به سراغشان بروم. قطعاً ترجیح می دادم برای اولین فیلم، حتی الامکان همه چیز ویژه و سخت باشد! اما در مورد مخاطب با شما موافق نیستم. بالابان اگر درست تبلیغ بشود، مطمئناً گیشه موفقی خواهد داشت. ترجیح دادم بجای اینکه پول اولین فیلمم را به بازیگران چهره بدهم (با همه احترامی که برای تک تک آنها قائلم) تلاش کنم تا بیننده ایرانی هم از ماجرائی پر تعلیق بر بستر تصاویر و دکوپاژی نو در فضائی که تاکنون چشمانش ندیده لذّت ببرد.



– چقدر پرداختن به موضوعی که در فیلم مطرح می شود از دغدغه شخصی شما می آید.

– صد درصد. ولی باید این را بدانیم که محیط زیست با همه وسعت، تنوّع و رنگارنگی آن در سراسر جهان از اساسی ترین مباحث مبتلا به کنونی جهان است. خصوصاً برای ما مسلمانان که بواسطه اعتقاداتمان، باید نسبت به طبیعت و همه موجودات (صرف نظر از اینکه در حیطه سود و زیان کوتاه مدت ما باشند) مسئولانه عمل کنیم. به نظر من جا دارد تا جهان اسلام با تکیه بر مفاهیم عمیق و بلند آسمانی خویش که نگاهی ژرف و قدسی به طبیعت دارد، به عنوان پیشتاز در امر اصلاح امر محیط زیست پرچم اصلاح گری خویش را برافراشته و در این زمینه موضعی پرسشگرانه (و نه منفعلانه) اتخاذ نماید!

– پرداختن به فرهنگ بومی مناطق یا بومی سازی میتواند سوژه مناسبی برای جهانی شدن سینمای ایران باشد، چقدر با این موضوع موافق هستید؟ آیا این مسائل میتواند برای مخاطبین جهانی جذابیت داشته باشد؟

– هر فیلمسازی در هر کجای جهان، زمانی موفق خواهد بود که حرف خود را از موضعی که در آن قرار دارد یعنی از خاستگاه هویتی خودش بیان کند؛ البته با زبانی جهانی و فرامنطقه ای که همان زبان سینما است. شما ببینید آمریکائیها قصه های بومی خودشان را در قالب وسترن با آن چنان اعتماد به نفسی بیان کردند و می کنند که یک آسیائی در مغولستان هم شیفته آن می شود. همین می شود که فرهنگشان را صادر می کنند. تا آنجا که حتی ایتالیائیها و استرالیائیها هم فیلم وسترن می سازند. به نظر من ما فیلمسازان ایرانی و آسیائی باید بیان سینمائی را فرا بگیریم. وقتی که به ابزار و بیان سینما مسلّط شدیم، آن وقت خواهیم دید و خواهند دید که خروارها حرف برای گفتن داریم.

– به هر حال موضوع و قاچاق پرندگان که شما در فیلم خود مطرح می کنید از جمله مسائلی است که در کشورهای دیگر و حتی کشورهای همسایه انجام می شود. چقدر این موضوع می تواند دستمایه ساخت یک فیلم مشترک با کشورهای دیگر شود.

– فکر کنم اگر ما با کشورهای همسایه مان بر سر مشترکات و منافع متعددمان از جمله مسائل زیست محیطی و فرهنگی گفتگوی مستمر داشته باشیم، راههای بسیاری برای تولیدات مشترک در پیش روی خود خواهیم یافت. فراموش نکنیم که بسیاری از همشهریان من در بوشهر بستگانی در آن سوی خلیج فارس در کویت، در امارات و در بحرین دارند. شما در کشورهای حوزه خلیج فارس بسیاری اسامی و فامیل های ایرانی دارید مانند: خانواده شیرازی، خانواده بوشهری، یا خاندان محترم احمدی در کویت و... همچنین در بوشهر خودمان بسیار دوستان یا حتی بستگانی داریم که فامیلشان بحرینی است یا فامیلهای دیگری که گویای تبار آن سوی خلیج فارسی آنان است. این آمیختگی خونی و قرابت فرهنگی اگر موجد همکاریهای مشترک نشود قطعاً مایه تأسف است. خود من طرح سریالی را بر اساس مجموعه خاطرات کودکی یکی از دوستانم نگاشته ام که بخش عمده آن در بحرین می گذرد؛ اما متأسفانه در شرایط کنونی، منِ فیلمساز بدون حمایت دولتی نمی توانم دست به هیچ اقدامی بزنم.

– آیا پیش از این کار نیز فیلم های کوتاه و مستند با توجه به فرهنگ بومی منطقه بوشهر و یا مناطق و قومهای دیگر ساخته اید؟

– تقریباً همه فیلمهای من مستقیم یا غیر مستقیم معرف اقلیم، فرهنگ و تاریخ بوشهرند؛ البته اگر فرصتی پیش بیاید که با یک مطالعه جدی پیرامون سایر مناطق میهن عزیزم، فیلمی در آنجا بسازم، موجب افتخار من خواهد بود.

– پرداختن به فرهنگ بومی و نمایش ویژگیها و لوکیشنهایی از مناطق ایران که ممکن است کمتر فیلمسازی سراغ آنها برود چقدر می تواند ما را در زنده نگه داشتن میراث فرهنگی مان و یا نمایش موضوعاتی که به نوعی کمتر از طرف مسئولین مورد توجه قرار می گیرد، تاثیرگذار باشد؟

– سالها پیش زمانی که برای اولین بار فیلم کوتاه من تحت عنوان «خانه شیشه ای» در کشور اتریش موفق به کسب دیپلم افتخار شد، متوجه شدم سینما زبانی است که به ترجمه نیاز ندارد. اگر من فیلمساز ایرانی میتوانم با یک فیلم کوتاه آماتوری، یک فرد اروپائی را که هیچ سنخیتی با علائق و دیدگاههای من ندارد، تحت تأثیر قرار بدهم، چرا نتوانم هموطنان خود را که مسئولان هم بخشی از آنان هستند، تحت تأثیر قرار دهم؟

– فکر می کنید نمایش این فیلم در جشنواره بین المللی کیش که هنرمندان و مسئولین زیادی حضور دارند، چقدر می تواند به دیده شدن فیلم شما کمک کند؟

– فقط امیدوارم اتفاقی که در جشنواره فیلم فجر افتاد و خستگی را به تن همه ما گذاشت، در کیش نیفتد! انتظار بر و بچه های بالابان این است که گرچه فیلمشان در شرایطی یکسان با سایر آثار سینمائی کشور تولید نشده، اما حداقل در شرایط برابر با سایر فیلمها نمایش و داوری شود. بالابان با بودجه تولید یک تله فیلم ساخته شد! اما می بینیم که الآن دارد با پروژه های چند میلیارد تومانی (مانند یوسف پیامبر، ملک سلیمان، راه آبی ابریشم و..) از یکسو و با فیلمهای کارگردانانی بزرگ (چون استاد داریوش مهرجوئی، مهدی صباغزاده، محمد بزرگ نیا، ابوالفضل جلیلی و دیگر بزرگان سینمای کشورمان) از سوی دیگر رقابت می کند! تنها انتظار ما در این شرایط، رعایت انصاف در نمایش و داوری است. فقط همین..

گفتگو با نوید مهیمنیان، فیلمبردار فیلم بالابان:

آلوده شدن نگاه مدیران و دست اندرکاران به خصومتهای شخصی و اعمال سلایق غیر هنری، باعث بی مهری به بالابان شد

– از خودتان بگویید و اینکه چرا فیلمبرداری را انتخاب کردید؟

– سید رضا (نوید) مهیمنیان هستم .سال ۱۳۷۲ از سینمای جوان برازجان فعالیتم را شروع کردم. پس از چند سال عکاسی و تمرکز روی این رشته کار، در سال ۷۶ پس از فیلمبرداری دو فیلم کوتاه ۸ م م (اون بالا این پایین ساخته نوشا عبداله زاده و مترسک ساخته قدرت اله مظاهری) وارد دنیای فیلمبرداری شدم. در سال ۱۳۷۹ تحصیل در دانشگاه سوره تهران در رشته سینما را شروع کردم و در کنار آن و به مدد آشنایی با جَـو سینمایی پایتخت کارم را به صورت حرفه ای و جدی ادامه دادم که تا به حال نیز ادامه دارد

– چگونه به گروه فیلمبرداری بالابان پیوستید؟

– بالابان اولین کار بلند سینمایی من محسوب میشد و این برایم بسیار هیجان انگیز بود و انگیزه زیادی در من ایجاد میکرد. با آقای صافی راجع به قصه و نوع کار و حتا زمان شروع فیلمبرداری صحبت کردیم. بعد از مدتی که در انتظار شروع کار بودم "سید رضا" خبر بدی به من داد: من شناخته شده نبودم و تهرانی هم نبودم! و سید هم نتوانسته بود متقاعدشان کند و فیلم بدون من کلید خورد. بعد از گذشت یک ماه و قطع همکاری گروه تولیدی بالابان با دو فیلمبردار تهرانی، قرعه به نام من افتاد و تلفنم زنگ خورد. درست لحظه ای که داشتم در جاده ی بُـرج، بوشهر را به مقصد شیراز ترک می کردم. صدای پشت خط دستیار آقای صافی بود. صبح دو روز بعد من پشت دوربین بالابان قرار گرفتم.

– تعامل شما با کارگردان چگونه بود؟

– ما وقت زیادی برای بحث و گفتگو راجع به کلیت فیلم و ساختار اجرایی فیلم نداشتیم. کار باید ادامه می یافت. ۳۰ درصد کار فیلمبرداری شده بود و طبعا باید در همان مسیر پیش میرفتیم. با این وجود من نگران نبودم چرا که با فیلمسازی روبرو شدم که سکانسها و تک تک پلانها را بر اساس مکان و محل فیلمبرداری در ذهن و نیز روی کاغذ داشت و فیلم قبل از فیلمبرداری سازمان یافته و مونتاژ شده بود. با گذشت زمان و درک فضای حسی فیلم و کارگردان و نزدیک شدن به دنیای سینمایی صافی توانستم به فیلم نزدیک شوم و سهمی داشته باشم. چگونه دیدن یک صحنه یا پلان انتخاب لنز، زاویه دوربین، مسیر حرکت دوربین و ریتم آن، مقولاتی بود که راجع به آنها با هم گفتگو می کردیم.

– با توجه به اینکه ورود شما به گروه بعد از انجام ۳۰ درصد فیلمبرداری بود چه تمهیداتی اندیشیدید که فضای تصویری دو پاره نشود؟

– بیشترین نگرانی من بابت همین دو پاره بودن و احتمال دو دست شدن فیلم بود. بخشی از این نگرانی از بابت رنگ و نور بود. با بررسی سکانسها و بخشهایی که فیلمبرداری شده بود به این نتیجه رسیدم که خوشبختانه سکانسها اصطلاحا بسته شده. یعنی همه پلانهای مثلا بخش خانه ی مادر شاهین توسط گروه قبلی فیلمبرداری شده. به همین خاطر مشکل دو پارگی در جزییات منتفی بود. در کلیت فیلم هم با توجه به لحن و سلیقه و استیل فیلمبرداری خودم و همخوان کردن آن با قسمتهایی که قبلا فیلمبرداری شده بود سعی کردم فیلم را با کمترین آسیب از بابت دو دست شدن پیش ببرم. از آنجا که فیلم به صورت ویدیو دیجیتال فیلمبرداری می شد، امکان هماهنگ سازی رنگ



و نور هم بسیار زیاد بود و از این بابت با خیالی آسوده تر خودم را به عمق کار سپردم.

– چگونه به این قاب بندیهای زیبا رسیدید؟

– به نظر من یک فیلمبردار برای ارائـه ی کار خوب به غیر از خلاقیت و توانایی و ابزار به چند مورد مهم و اساسی دیگر هم نیاز دارد: کارگردانی توانا و کار بلد و هنرمند، مکان مناسب (لوکیشن) و طراحی صحنه ی خوب و متناسب با قصه و فضای فیلم. در فیلم بالابان همه شرایط به بهترین شکل ممکن فراهم بود (کمی در مورد ابزار سختی کشیدیم البته) برای خلق تصاویر زیبا و قابل قبول مثلا در سکانسهای بیابان و کوخت (شکار پرنده) ، من کار سختی پیش رو نداشتم. مکانهایی که با تلاش و دقت یک ساله توسط آقای صافی و گروه پیش تولیدش انتخاب شده بود با کمی چاشنی پیشینه ی عکاسی که داشتم، خلق این تصاویر امکان پذیر شد در مورد ابزار هم، با وجود دوری از مرکز سینمایی کشور یعنی تهران، طبیعی است که کار برای هر گروه فیلمبرداری کمی سخت میشود. البته ما سعی کردیم این کمبودها تاثیر زیادی روی کیفیت کار نداشته باشد که خدا را شکر همین طور هم شد و بالابان فیلمی است که استانداردهای سینمای این مملکت را در خود دارد و اخذ درجه کیفی الف بیانگر این مدعاست.

– چرا علیرغم وجود حرکتهای زیادِ دوربین در این فیلم هیچکدام توی ذوق نمیزند؟ و چرا اساساً اینقدر از دوربین متحرک استفاده کردید؟

– بالابان قصه نوجوانیست که میخواهد به سرعت از مرز بچگی و کودکی خود بگذرد و خانواده اش را نجات دهد. شاهینِ قصه ی بالابان هیچ گاه نمی ایستد، پس دوربینِ روایتَ کننده ی این داستان هم نباید ایستا باشد و دائم در حرکت است. نه حرکتی عجولانه بلکه با وقار و مطمئن مثل شاهین و نگاهش به آسمان و تلاشش در زیر دریا. همین متناسب بودن حرکت دوربین با حرکت داستان فیلم و شخصیتها باعث شده دوربین متحرکِ بالابان توی ذوق نزند و بیننده را بیشتر با فیلم همراه کند.

– به نظر شما دلیل کم توجهی به این فیلم چیست ؟ چرا بالابان آنگونه که شایسته بود مورد توجه قرار نگرفت؟

– اولین چیزی که با این سوال در ذهنم شکل میگیرد، عدم شناخت سینما و ناتوانی در تشخیص فیلم خوب و بد از طرف مدیران و متولیان سینما و تلویزیون استان است. آلوده شدن نگاه مدیران و دست اندرکاران به خصومتهای شخصی و اعمال سلایق غیر هنری و حاشیه یی، کم توجهی و بی مهری به فیلم سینمایی بالابان را به بار آورد. در صورتی که بالابان در دو جشنواره مهم سینمایی مملکت مورد توجه قرار گرفت و در اذهان کارشناسان و تماشاگران جایی برای خود باز کرد. در این شرایط جا داشت مدیران مربوطه ی استان خصوصا مدیران صدا و سیمای استان به عنوان صاحبان حقوقی فیلم، کمی و فقط کمی کمک کنند تا اکران این فیلم براحتی انجام شود، که این مهم به شکل غریب و عجیبی به تاخیر افتاد و بعد از مدتی منتفی شد! به هر روی خوشحالم که بالاخره بالابان در بوشهر اکران گرفت و استقبال مردم با ذوق و سلیقه و هنر دوست استان نشان داد که بالابان سیدرضا صافی به ناحق مورد بی مهری قرار گرفت.

مصاحبه با سیدعلی هدایت بازیگر بالابان:

مسئولین استان بوشهر از ارتباطشان با مرکز برای بالابان به خوبی استفاده نکردند



– برای آشنائی خوانندگان نسیم جنوب، از خودتان بگویید.

– سید علی هدایت متولد۱۳۵۴ در تهران و بوشهری هستم. از ۱۲ سالگی در مدرسه تئاتر را آغاز کردم. مدرس موسیقی (ساز دهنی)، ۲۷کار تئاتر در زمینه ی بازیگری و ۳ تئاتر کارگردانی و ۵ فیلم و سریال بازی کردم.

– چه شد که به بالابان پیوستید؟

– یادم نیست اولین بار برای فیلم بالابان چه کسی زنگ زد ولی میدونم تماس گرفتند و وقتی رفتم، تست و عکس گرفتند و گفتند بهت خبر میدیم.

– فضای کارگردانی و فیلمبرداری چگونه بود؟

– فضای کارگردانی و فیلمبرداری بسیار خوب و صمیمی و بسیار سنگین و سخت بود با توجه به این پروژه.

– از سختی های کار بگویید.

– من فقط در بخشهای پایانی فیلم بودم و خیلی از پلانها و سکانسها رو ندیدم. پلانهای من توی دریا، در لنج بود. از صبح زود توی دریا تا پاسی از شب. خیلی از عوامل کار به علت تکانهای شدید لنج حالت تهوع و... خیلی سخت بود.

– در این فیلم چه نقشی داشتید؟

– نقش من نقش ناخدای لنجی بود که باید دو پرنده ی با ارزش را به صورت قاچاق از مرز خارج میکردم و بدون اینکه صاحب پرنده بدونه با شخص دیگری تعامل میکنم تا پرنده ها رو بدست اون برسونم. به کمک آقای صافی و آقای صاحب الفصول چند روز تمرین کردم تا به نقشم نزدیک شدم.

– نظرتان درباره امکانات سینمائی و هنرمندان بوشهری چیست؟

– باید قبول کرد که در بوشهر امکانات در زمینه ی فیلم سازی کم و ضعیف هست، اما پتانسیل و استعدادهای خوب هنرمندان بوشهری رو نباید دست کم گرفت و همچنین اطلاعات به روز و بالایی که هرکدام یک امتیاز برای سینمای ایران محسوب می شود.

– نظرتان درباره بی مهری هائی که به این فیلم در مرکز شد، چیست؟

– حقیقت این است که از طرف مرکز هیچ تقدیری که شایسته ی این فیلم و عوامل آن باشد، نشد و این هم مقصر مسئولین خود استان بودند که از ارتباطشان با مرکز به خوبی استفاده نمی کنند.

– نظرتان درباره سیدرضا صافی کارگردان این فیلم چیست؟

– کارگردانی فوق العاده خوب و از نظر شخصیتی خوب و صبور بود. جلوی دوربین جدی و در پشت صحنه دوست و صمیمی بود. خیلی کم عصبانی می شد ولی وقتی هم عصبانی میشد، دیگه...

– سخن پایانی؟

– در پایان از تمام عوامل و دست اندرکاران فیلم سپاسگذارم و از مردم فهیم و هنردوست بوشهری خواهش میکنم فیلم را ببینند در سینما و نظراتشان را ارجاع دهند

مصاحبه با قحطبه فخرائی بازیگر بالابان:

بهترین پایان، آزادی و رهایی از دست بدی ها



– لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– قحطبه فخرایی هستم متولد ۱۳۵۱ بندر دیّر، کار بازیگری را از دهه ۶۰ شروع کردم و تا کنون بازی در نمایش های زیادی انجام داده ام و بازی در فیلم سینمایی بالابان به کارگردانی آقای سید رضا صافی اولین کار سینمایی من هست.

– نحوه آشنایی شما با کارگردان فیلم و ورود به فیلم بالابان چگونه بود؟

– آقای صافی جهت داوری بازدید به دیّر آمده بود و من از طریق خانم مریم رنجبر به ایشان معرفی شدم، ایشان از من خواست که به دفتر فیلم سازی که در بوشهر بود برای تست بازیگری به آنجا بروم و پس از قبول شدن از من برای بازی در فیلم سینمایی بالابان دعوت کردند.

– کدام یک از خصوصیات اخلاقی قحطبه در فیلم به شما نزدیک است؟

– هیچکدام، قحطبه ای که در فیلم هست با قحطبه بیرون فیلم از نظر اخلاقی زمین تا آسمان تفاوت دارند.

– بدون تعصب از نظر شما فیلم بالابان چطور است؟

– فکر میکنم بهتر است از ماست فروش نپرسید ماستتان شیرین است یا نه!

– با کدام یک از بازیگران در فیلم بالابان احساس راحتی بیشتری داشتی؟

– من به جهت اخلاقی که دارم و همیشه دوست دارم با مجموعه ای که کار می کنم صمیمی باشم و همه رو دوست داشته باشم در فیلم بالابان هم با همه احساس راحتی می کردم.

– کدام سکانس از فیلم بالابان را بیشتر دوست داشتید؟

– همه سکانس های فیلم دوست داشتنی و عالی هستند و جذابیت خاصی دارند. آخرش گفتم ماستم شیرینه!

– بدون در نظر گرفتن پایان بندی فیلم اصلی، شما دوست داشتید فیلم چگونه تمام شود؟

– درپایان اکثر فیلم ها همیشه خوبی (خیر) بر بدی (شر) پیروز می شود و پایانی که کارگردان محترم برای فیلم بالابان در نظر گرفته خیلی پایان خوب و با معنایی هست و بهترین پایان برای این فیلم، آزادی و رهایی از دست بدی ها.

نسیم جنوب
هامون ۷۷
شماره ۷۲۸ - یک شنبه ۱۱ اسفند
NASIM JANOUB

خلیل موحد؛ نویسنده و فعال مطبوعاتی:

مطالبات و انتظارات فرهنگی ما در جغرافیای محلی



به باور نگارنده به عنوان یک کنشگر فرهنگی و مدنی، مدیرکل اداره ی فرهنگ استان بوشهر، منصوب دولت با عنوان « تدبیر وامید» و کارکنان زیر مجموعه ی ایشان، باید در قلمرو مسئولیت شان، اجرای رویکردهای زیر را در فهرست برنامه های کاری خود قرار دهد. ناگفته پیداست مطالبات مندرج در این فهرست، همان خواسته های ما در کلان ملی است که در این جا در انتظارات استانی ما بازخوانی شده است.

۱- پاسداشت شأن و کرامت انسانی ارباب فرهنگ، دانش، قلم و هنر استان بوشهر و رعایت حقوق معنوی و مادی آن ها.

۲- حمایت از همه ی مولدان فرهنگ، نویسندگان، روزنامه نگاران، مترجمان و هنرمندان استان به ویژه آفرینندگان آثار فاخر فرهنگی برای کسب مجوز چاپ، و نیز کمک به تأمین هزینه های چاپ و انتشار آثارآنان با معیارهای عادلانه.

۳- ارایه پیشنهاد و تلاش در جهت برچیده شدن ممیزی و سانسور محصولات فرهنگی، جز در اقلام استثنایی و مورد تأیید روان شناسان و جامعه شناسان مستقل و غیرایدئولوژیک و متخصصین مسایل کودکان.

۴- خرید تولیدات اهالی فرهنگ استان مانند پدیدارهای قلمی و نوشتاری،کتابها و نشریات محلی استان و توزیع این کالاهای فرهنگی میان مساجد، کتابخانه ها وسایر نهادهای فرهنگی استان.

۵- کمک در انتخاب کتاب سال استان در موضوعات مختلف، با مدیریت و داوری نویسندگان شهیر استان و در صورت نیاز با داوری دیگر نویسندگان شاخص کشور.

۶- فراهم کردن بسترهای لازم و گشودن گیرهای ذهنی و رفع موانع عینی در درون اداره ی فرهنگ و ارشاد بوشهر، برای بنیان گذاری دمکراتیک نهادها و انجمن های فرهنگی و هنری. اداره ی یاد شده هم چنین باید از دخالت های بازدارنده ی احتمالی مستقیم و یا غیرمستقیم دستگاه های دیگر و نیز از سنگ اندازی های افراد و گروه های فشاری که با تولد، نشو و نما و زیست آزاد و مستقل سازمان های مردم بنیاد مخالف اند در حریم تشکل های مدنی فرهنگی و هنری جلوگیری کند.

حمایت از بازگشایی و فعالیت دوباره ی خانه مطبوعات مستقل محلی، انجمن اهل قلم و دیگر نهادهای فرهنگی غیردولتی استان که مانند سازمان های فرهنگی مردم بنیاد سایر مناطق این مرز و بوم، سالیان پرتلاتم و دردناکی را تجربه کردند. دوره هایی که مسلمان نشنود، کافر نبیند.

راهکار اساسی اما این است که حکومت تصدی گری خود را در عرصه ی تولید فرهنگ به حداقل رسانده و کار فرهنگ را به اهل فرهنگ بسپارد، همان گونه که کار شریف دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور به نظامی ها سپرده می شود. افزون بر این، دستگاه های رسمی باید امور نهادهای مدنی را از آغاز تا پایان به اعضای آن تشکل ها واگذار کنند.

۷- حمایت از بازگشایی و فعالیت دوباره ی خانه ی مطبوعات مستقل محلی، انجمن اهل قلم و دیگر نهادهای فرهنگی غیردولتی استان که مانند سازمان های فرهنگی مردم بنیاد سایر مناطق این مرز و بوم، سالیان پرتلاتم و دردناکی را تجربه کردند. دوره هایی که مسلمان نشنود، کافر نبیند.

۸ - پشتیبانی از نشست ها وگردهمایی های فکری و فرهنگی، و نیز حمایت از آموزش ها، مراسم، نمایش ها و نمایشگاه های هنری، کنسرت های موسیقی به خصوص موسیقی محلی و تضمین امنیت این برنامه ها. این امنیت درهنگام نیاز با همکاری نیروی انتظامی که مهم ترین فلسفه ی وجودی اش تأمین امنیت مردم است باید تحقق یابد.

۹- همکاری با اهالی مطبوعات استان برای برپایی سالانه ی نمایشگاه مطبوعات و نیز جشنواره مطبوعات محلی.

۱۰- توزیع آگهی های دولتی و ثبتی، و نیز کمک های نقدی و غیر نقدی دولتی میان نشریات محلی با ملاک های عادلانه ی از جمله تعداد شماره های انتشار سالانه، پیوستگی و منظم بودن انتشار، تعداد صفحات، کیفیت کاغذ استفاده شده با اولویت استفاده از محصولات داخلی، پرداخت دستمزد مناسب به سردبیران، عوامل فنی و خبرنگاران و حق التألیف به نویسندگان.

۱۱- تاسیس فرهنگ سراهای استاندارد، مدرن و چند منظوره در مراکز شهرستان های استان و نیز ساختن سالن های سینما با مشارکت بخش خصوصی علاقه مند به کارهای فرهنگی. در این مورد لازم است جلساتی با افراد صاحب مال و مکنت برگزار شده و ضرورت اجتماعی حمایت مادی آن ها از پروژه های فرهنگی شرح و تبیین گردد.

۱۲- راه اندازی کتابخانه های جدید و استاندارد در سطح استان و گسترش کمی و ارتقای کیفی کتابخانه های موجود از جمله از طریق تجهیز این مراکز به تمام کتاب ها و نشریات علمی و برخی نشریات عمومی کشور و تشویق شهروندان به مطالعه و کتاب خوانی و برنامه ریزی برای افزایش نرخ مقدار و عمق مطالعه ی آنان.

۱۳- برگزاری جلسات هم اندیشی با اصحاب فکر و فرهنگ و نیز با نهادهای فرهنگی و علمی مانند: دانشگاه ها و مراکز علمی استان،آموزش و پرورش، مرکز اسناد، ایران شناسی (شعبه ی بوشهر)، میراث فرهنگی و مؤسسه ی فرهنگی و ورزشی شهرداری، برای کمک به زایش و رویش انگیزه برای خلق محصولات فرهنگی وعلمی، و سمت گیری برای بسط و تعمیق آموزه های مدنی وتعالی فرهنگ عمومی مبتنی بر مدارا و به رسمیت شناختن تکثر فکری، سیاسی و فرهنگی، و نفی خشونت و نفرت، و رفتار بر وفق مسئولیت های انسانی و شهروندی. و تولید شادی و نشاط روحی .

۱۴- گفت وگو با نهادهای صنعتی مستقر در استان برای ایفای وظیفه ی خود در اختصاص بودجه ی مناسب جهت رشد و توسعه ی فرهنگی استان. هم چنین گفت و شنود با اداره ی اوقاف استان برای واگذاری بخشی از زمین های اوقافی به اداره فرهنگ استان برای کارکردهای فرهنگی به ویژه برای ساختن فرهنگ سرا.

۱۵- نام گذاری مراکز فرهنگی (فرهنگ سراها، کتابخانه ها و ...) هریک از شهرستان ها و مناطق استان به نام مشاهیر فرهنگی همان شهرستان یا منطقه و یا به نام بنیان گذاران آن مراکز و یا به نام شخصیت های ملی فرهنگی. این اسم گذاری باید با نظرسنجی از اهالی فرهنگ هر شهرستان و منطقه، و دلپسند اکثر آن ها باشد.

امید بازیافته

انتظارات و امیدهای اهالی رسانه و مطبوعات از مدیرکل جدید فرهنگ و ارشاد استان بوشهر

رضا شبانکاره : اشاره: فضای حوزه ی فرهنگ و هنر و رسانه در سالیان اخیر به شدت سیاست زده شده و عملکرد فعالین فرهنگی و هنری و مدنی تحت تاثیر سیاست گذاری های بسته ی دولت های نهم و دهم قرار گرفته است. در این سال ها باعث شد بسیاری از نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان مستقل و آزاد ترک وطن کرده، یا سکوت پیشه کنند یا این که آثارشان گوشه ی اتاق خاک بخورد! و از حضور در فضاهای فرهنگی و هنری که دولت بر آن ها سلطه داشت، اکراه داشته باشند. از این رو فضای فرهنگ، اندیشه و حوزه ی عمومی دچار رکود و خمودی شد. در حوزه نشر و مطبوعات، در آغاز روی کارآمدن دولت احمدی نژاد حذف یارانه ی کاغذ، امنیتی شدن فضای مطبوعات و فرهنگ، ممیزی شدید و احضار و بازداشت روزنامه نگاران و در نهایت تعطیلی نهادهای صنفی مطبوعات در ایران که همه ی این موارد در دوران صدارت مدیرکل های فرهنگ و ارشاد استان بوشهر هم اتفاق افتاد، منتج به این شد که فعالیت های مطبوعاتی و رسانه یی به حاشیه رانده شود. در این میان همه ی این اتفاق ها منتج به کاهش تیراژ و فروش مطبوعات و بی اعتمادی مردم و مخاطبین از آن گردید. اما با شعارهای دکترحسن روحانی در کارزارهای انتخاباتی و پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری، هنرمندان، نویسندگان و اهالی اندیشه و مطبوعات را با «امید بازیافته» یی مواجه کرد، تا دوباره خود را دعوت به فعالیت های فرهنگی و مطبوعاتی کنند! از این رو «هامون» تصمیم گرفت، در پی انتصاب مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، دکترحمیده ماحوزی، در دولت «تدبیر و امید»، در یک نگرخواهی انتظارات و مطالبات اهالی مطبوعات و رسانه استان بوشهر را از این فعالین جویا شود.



علی پیرمرادی، خبرنگار و پیر مطبوعاتی استان بوشهر:

شاید خانم مدیر حق مرا ادا کند



شاید خانم مدیر حق مرا- به عنوان فعال مطبوعاتی- ادا کند؛ آقایان که توجهی نکردند! دوستان در «هامون» از بنده خواستار بیان مطالبات صنفی ام از مدیرکل جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر شدند. در ابتدا انتصاب سرکار خانم ماحوزی به سمت مدیرکلی فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر را به ایشان تبریک می گویم.

در سال های اخیر دو بار فُرم های مربوط به بیمه ی خبرنگاران و هنرمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در محل اداره مربوطه در شهرستان دشتستان (برازجان) تکمیل و در اختیار مسئول مربوط جهت پی گیری قرار دادم. اما متاسفانه تا کنون کارت بیمه هنرمندان ارشاد اسلامی هنوز به دستم نرسیده و از بیمه ی آن وزارت خانه در حق بنده اقدامی نشده است. پیش خود فکر می کنم شاید اصلن بیمه ای از طرف وزارت خانه فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود ندارد یا این که می گویند به خبرنگاران و هنرمندان وام یا به قول امروزی ها تسهیلات می دهند شایعه است و خبری از بیمه و تسهیلات نیست! چون اگر بود حداقل کارت بیمه آن را هم در اختیار این جانب قرار می دادند، تا این مطبوعاتی قدیمی نیز از آن بهره مند می شد.

با توجه به این که چندین سال است که پی گیری بیمه ی خبرنگاری از طریق فرهنگ و ارشاداسلامی خود شده ام، اقدامی صورت نگرفته است. در این جا فرصت را مناسب می دانم، درخواست خود را از خانم ماحوزی برای پی گیری و دریافت کارت بیمه هنرمندان و روزنامه نگاران اعلام دارم. شاید من نیز در این سن از آن و مزایای رفاهی و درمانی آن بهره مند شوم. در زمان حضور آقایان! در سمت مدیریت ارشاد بهره یی نبرده ام. این همه نمایشگاه کتاب و مطبوعات در تهران برگزار شده ولی یک بار هم نشد که از سوی اداره کل، اینجانب را دعوت و برای بازدید از نمایشگاه کتاب یا مطبوعات و دیگر موارد به همراه سایر خبرنگاران و هنرمندان اعزام شوم. بسیاری بوده اند که باتوجه به این که به صورت موقت وارد مطبوعات شده اند، اما همواره تسهیلاتی دریافت و از مزایای خبرنگاری بهره برده اند. از سرکار خانم ماحوزی خواستاریم نسبت به پی گیری وصول کارت بیمه هنرمندان، نویسندگان و روزنامه نگاران استان که شاید بعضن مانند من نیز افراد دیگری فاقد پوشش بیمه، وجود داشته باشند اقدام فرمایند. اگر نمایشگاه کتاب و مطبوعاتی برگزار می شود و یا تسهیلاتی به اهالی مطبوعات و خبرنگاران داده می شود، اولویت به کسانی داده شود که قبلن اعزام نشده اند یا تسهیلاتی دریافت نکرده اند. از دیگر سو به عنوان یک خبرنگار شهرستانی، انتظار دارم مدیرکل نسبت به امکانات فرهنگی و هنری و نیروهای مطبوعاتی شهرستان ها (دور از مرکز استان) توجه جدی داشته باشد.

سیروس بنه گزی، روزنامه نگار و فعال مطبوعاتی:

حاصل قلم روزنامه نگاران در خانه خاک می خورد!



فرهنگ و ارشاد، پارادوکس (تناقض) بزرگی است. این نام بر سردر یکی از وزارت خانه هایی که قرار است، متولی فرهنگ و بستر و زایشگاه هنر و ادبیات مردم باشد. اصلن مگر می شود به هنرمند و ادیب گفت آمده ایم از تو حمایت کنیم و... بگذریم... سرکار خانم ماحوزی از جمله زنان فرهنگی استان است که یک جوری می توان گفت که این کسوت برازنده و مناسب ایشان است. به هر حال دولتی آمده از جنس اعتدال، متاع بهتر خواستن دور از منشور و شعار این دولت است. سال ها فعالیت در کسوت آموزشی در مدارس دخترانه و دو دوره عضویت در شورای شهر و حضور همیشگی در کمیسیون های فرهنگی و هم چنین بودن در کنار کانون های فرهنگی (دور یا نزدیک) نکات مثبتی است که در کارنامه فرهنگی مدیر جدید فرهنگ دیده می شود و این به خودی خود موجب خوشحالی و خرسندی است.اما مطالبات ما مطبوعاتی ها چیزی نمی توان بیشتر از حوزه اختیاری باشد که از سوی دولت اعتدال بر عهده وی گذاشته است. در محدوده همین اختیارات ایشان را توصیه می کنم به مشورت گرفتن و تعامل با اهالی مطبوعات در تصمیم گیری های مرتبط با حوزه نشر، مطبوعات و روزنامه نگاران استان.

هشت سال سخت بر ما گذشته، خیلی از ما دیری است حاصل قلم اشان در خانه خاک می خورد، هشت سال است که اداره فرهنگ استان درهای خود را بر روزنامه نگاران و متولیان مستقل مطبوعاتی بسته است.

چندین سال است تنها محل و خانه تشکل مستقل مطبوعاتی که مفتخر به برگزاری آموزش روزنامه نگاران و خبرنگاران و عکاسان بود، به جرم گناه ناکرده و توسط شکایت مدیریت وقت اداره کل فرهنگ و ارشاد بوشهر از آنان گرفته شده و اجازه فعالیت ندارند.

چندین سال است توسط مدیریت فرهنگ و ارشاد در حوزه توزیع امکانات بین روزنامه نگاران و مطبوعات، بی عدالتی به اوج خود رسیده است. و این بی عدالتی ها و حذف و شکایت های اعمال شده توسط مدیران فرهنگ و ارشاد حکایتی دراز دارد.

بنابراین از مدیریت جدید فرهنگ استان در این دوره که دوره تدبیر و اعتدال اش می خوانند، اگر برای درمان این درد چند ساله آمده است باید خوب بداند که آموزش سیاسی ملت از زیر دست روزنامه نگاران و نویسندگان می گذرد. و تنها انتظار از ایشان این است که چتر حمایتی خود را به انصاف بر سر فعالین مطبوعاتی بگستراند، درهای ساختمان اداره کل را به روی همه مطبوعاتی ها بی توجه به رنگ وسلیقه و روش باز بگذارد، در توزیع امکانات و آگهی ها بین مطبوعات جانب انصاف و عدالت را رعایت نماید و مقدمات احیای تشکل مستقل مطبوعاتی را با مشورت روزنامه نگاران و نویسندگان استان بوشهر فراهم آورد.

عباس جاودانی، نویسنده و فعال مطبوعاتی:

آشتی فرهنگی در استان



آسمان گاه صاف است و گاه بارانی
دل در پی داشتن هوای مهربانی
سکوت مبهمی فراگرفته سینه را
زمین دل به امید داشتن زندگی جاودانی
سروده ی «احمد رشیدی»

آسمان فرهنگ و هنر استان بوشهر با انتخاب مدیرکل جدید خود یعنی خانم دکتر ماحوزی به اقلیمی صاف، امید دارد. واقعیت اینست که هوای فرهنگ و هنر استان بارانی است و هنرمندانش بی چتر. امروز جامعه هنرمندان استان بیش از هر چیز به حمایت ، پشتیبانی و دلگرمی مدیران فرهنگی نیاز دارند. بی مهری برخی مسئولان وقت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان با بعضی حوزه های فرهنگی مانند مطبوعات مستقل و موسیقی محلی منجر به رنجش و انزوای آنان شده است و راه برون رفت از این وضعیت فراهم نمودن فضای آشتی فرهنگی در استان می باشد. حصر فرهنگی ایجاد شده شکسته شود و هنر برای همه و هنرمند متعلق به همه باشد. شرایطی ایجاد شود تا درهمه جای استان و بویژه روستاها و شهرهای کوچک هم از ظرفیت های ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی در ابعاد آموزش، تشکیل گروه و اجرای برنامه های گروه های فرهنگی و هنری استفاده نمایند. مدیریت در حوزه فرهنگ و هنر ظرافت خاصی را می طلبد و از عهده همه کس بر نمی آید، لذا یکی از انتظاراتی که در این حوزه از مدیر ارشد فرهنگ و ارشاد اسلامی استان می رود، استفاده از نیروهای توانمند که هنر را بشناسند و به آن باور داشته باشند. زیرا ریشه بسیاری از مشکلات فرهنگی کشور درانتخاب مدیرانی است که خود از جنس فرهنگ نیستند. اهتمام در فعال نمودن تشکل های صنفی مانند خانه مطبوعات، خانه تآتر و...، عدالت در حمایت و تسهیلات دولتی به رشته های مختلف فرهنگی و هنری، حل مشکلات مالی و امنیت شغلی آن ها از خواسته های به حق جامعه هنرمندان استان می باشند.

هدیه بیت سیاح؛ خبرنگار و فعال مطبوعاتی:

مشکلات صنفی روزنامه نگاران مرتفع شود



۱- ایجاد فضای مناسب جهت فعالیت خبرنگاران و روزنامه نگاران (اشاره به این که متاسفانه فضای موجود در سطح استان و به ویژه دشتستان به نحوی که فعالیت خبرنگاری بسیار دشوار بوده و برخی از مسئولین به دید ارباب رجوع به خبرنگاران نگاه کرده و برخوردی ناشایست با خبرنگاران دارند.)

۲- وقتی مشکلی خاص برای خبرنگاران و اهالی مطبوعات پیش می آید. اداره ارشاد مانند پدری که از فرزندان خود حمایت می کند از خبرنگاران و جامعه ی خبرنگاری دفاع کند (اشاره به بحث شکایت فرماندار از نشریه و تارنمای اتحادجنوب در خصوص موضوع تندیس غضنفرالسلطنه)

۳- حقوق کم و نبود امکانات رفاهی و تسهیلات وام و مزایا، از جمله مسایل و معضلاتی است که گاهن خبرنگار را مجبور به ترک حرفه ی مطبوعاتی و خبرنگاری می کند. لذا از مدیریت کل ارشاد انتظار می رود به عنوان متولی امر، این مشکلات را در حد امکان پی گیری و رصد کرده، و آن ها را مترفع سازد تا خبرنگاران انگیزه ای جهت ادامه ی فعالیت داشته باشند. به گمان من، غالب خبرنگارانی که در حال حاضر فعالیت می کنند، به دلیل علاقه به فرهنگ سازی است و گرنه هیچ گونه شرایط حرفه ای برای تقویت یا ادامه ی کار صنفی آن ها وجود ندارد.

۴- خبرنگاران چشم و گوش جامعه هستند، آنان از دل مردم برخاسته اند تا زبان گویای شهروندان باشند و مشکلات اشان را به گوش مسئولین برسانند. لذا از مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی انتظار می رود که زمینه ی فعالیت بهتر خبرنگاران را فراهم آورد تا مسئولین با این گروه فعال اجتماعی تعامل بیشتری داشته باشند نه در مقابل صحبت ها و انتقادات آنان جبهه گیری کنند.

۵- برپایی نشست های ماهانه جهت شناسایی مشکلات جامعه ی خبرنگاری و برطرف سازی این مشکلات.

مهدی جهان بخشان، فعال مطبوعاتی:

هنرمندان، آزادانه صاحب تشکیلات صنفی خود شوند



هدف انقلاب بزرگی که در سال ۱۳۵۷کشور ایران را دگرگون کرد، تنها جابه جایی قدرت نبود، بلکه دگرگونی بنیادی در مقوله های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز از جمله اهداف آن بود.

بارزترین دگرگونی که سران انقلاب وعده آن را به مردم دادند دستیابی آسان مردم زحمت کش جامعه به قدرت سیاسی کشور و دخالت در سرنوشت خودشان بود؛ به همین جهت نیز از روایات و آیات مذهبی کمک گرفته شد و انقلاب را انقلاب مستضعفین نامیدند.

لازمه این دگرگونی تحول فرهنگی و سیاسی است. متولی اصلی تحول فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد که با اعمال نظر بر رسانه ها اعم از صوتی و تصویری و نوشتاری این وظیفه مهم را به انجام می رساند.

متاسفانه، علیرغم پرچم سفیدی که اکثر هنرمندان به دست گرفته و به مسئولین فرهنگی کشور نشان می دهند، در بیشتر مواقع با بی مهری رو به رو شده اند. نگاهی به کتاب هایی که با عدم صدور مجوز چاپ مواجه گشته و نگاهی به فیلم هایی که آرزوی اکرانشان به دل کارگردان ها می ماند و نگاهی به آوازهایی که در گلوی هنرمندان مملکت به تدریج تبدیل به مویه می شود، موید این مدعا است.

البته بی انصاف نیستیم که تحول در سینما وموسیقی وتنوع کتاب و... را بعد از انقلاب نادیده بگیریم. ولی از یک اصل مهم هم نباید غافل باشیم و آن این است که هرگاه تحول خواهان اجتماعی و طرفداران اقشار متوسط و ضعیف جامعه در مصدر امور قرار گرفتند، هنرمندان و اهل اندیشه به راحتی در فضای آزاد ایجاد شده تنفس کردند. و هرگاه نیروهای منفعت طلب قدرت سیاسی را در کف خود گرفتند، فضای خفقان آوری هنرمندان را به عزلت واستعاره گویی کشاند و یا راه غربت را در پیش گرفتند.

به هر حال برای بهبودی امر فرهنگ وهنر پیشنهادات زیر مطرح می شود:

۱- هنرمندان به طور آزادانه صاحب تشکیلات صنفی خود شوند. ۲- حمایت برای چاپ کتاب و تولید فیلم هنرمندان واقعی که فاقد شرایط مالی مناسب می باشند. ۳- تآتر را از این وضعیت غلطیدن به دامگه مثلن پُست مدرن بی سروته باید نجات داد. ۴- در این سال ها شاهد رکود کانون سینمای جوان بوشهر بوده ایم و نیاز مبرم به تغییر مدیریت و بازبینی روند عملکرد این کانون احساس می شود.

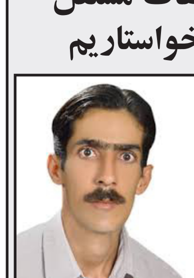
۵- گسترش مراکز آموزشی هنری و جذب نیروهای مستعد.

۶- احداث سینما و سالن های تآتر و گسترش دکه های مطبوعاتی در شهرستان ها. ۷- فراهم شدن بستری مناسب برای فعالیت بانوان در راستای موسیقی. ۸- حمایت از موسیقی اصیل به جای گسترش بی رویه موسیقی محلی واستفاده از اشعار شاعران استان در کلام موسیقی.

۹- ایجاد بستر مناسب برای فعالیت های فرهنگی و هنری و مطبوعاتی.

مسلم حیدری؛ فعال مطبوعاتی و رسانه ای:

احیای خانه مطبوعات مستقل استان بوشهر را خواستاریم



ماه هاست که دولت دهم تمام شده و آمارهای گوناگون از حوزه های مختلف در زمان فعالیت این دولت منتشر شده است. در این میان، مطبوعات هم آماری دارند که با مرور کردن شان ممکن است مخاطب کمی به فکر فرو رود، تعداد زیاد نشریات توقیفی، لغو مجوز شده و تذکرگرفته، ذهن را به خود مشغول می‌کند.

آن چه امروز ما به عنوان فعالین مطبوعاتی و رسانه ای می طلبیم و از دولت تدبیر و امید انتظار داریم، ایجاد فضایی مناسب برای انعکاس افکار عمومی ست. هوایی تازه برای دمیدن بر مطبوعات مستقل، همان رکنی که نیاز یک جامعه پویا و سرزنده می باشد.

این قلم به نوبه خود انتخاب دکتر حمیده ماحوزی را به فال نیک می گیرد و از ایشان احیای خانه مطبوعات مستقل محلی استان بوشهر، رسیدگی به وضعیت بیمه روزنامه نگاران، ایجاد اتاق های فکر مطبوعاتی و تامین تسهیلات و نیازهای فنی، تقسیم عادلانه آگهی های مطبوعاتی و باز گرداندن فضای آزادانه مطبوعات برای انعکاس مطالبات و نیازهای روزمره شهروندان را خواستاریم.

و این که قلم را حرمت نهید، همو که تاریخ به نامش نوشته شد و شما نیز جزیی از تاریخ هستید.

معرفی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر



با حضور مدیرکل امور استانهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاندار بوشهر وجمعی از مدیران کل دستگاههای اجرایی استان بوشهر حمیده ماحوزی به عنوان مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر معرفی شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، در آیینی با حضور مدیرکل امور استانهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاندار و هنرمندان و اصحاب رسانه، ضمن قدردانی ازخدمات خداکرم یزدانپناه سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، حمیده ماحوزی را به عنوان مدیر فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر معرفی شد. در این مراسم استاندار بوشهر بر حمایت همه جانبه از هنرمندان و اصحاب رسانه تاکید کرد و گفت: هنرمندان در جامعه از جایگاه و شان ارزشمندی برخوردار هستند و حمایت از این قشر تاثیر گذار لازم و ضروری است. دکترمصطفی سالاری بر فعال شدن تشکل‌های مردم نهاد در بخش‌های مختلف فرهنگ و هنر تاکید کرد و گفت: تشکل‌ها و سازمانهای مردم نهاد باید در جامعه نقش خود را در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر نشان دهند.

مدیرکل امور استانهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم با بیان اینکه حوزه فرهنگ و هنر حوزه سلامت و پاکی است تصریح کرد: هنرمندان و اصحاب رسانه که در جهت رشد وتعالی جامعه تلاش می‌کنند نظر خداوند و انسانها دارای منزلت وجایگاه مهمی هستند. محمدمهدی احمدی از انعقاد تفاهم‌نامه فرهنگی استانهای مختلف با کشورهای گوناگون خبرداد وگفت: با برنامه ریزی‌های انجام شده استانها از جمله بوشهر با کشورهای که تناسب فرهنگی مشابه دارند تفاهم‌نامه‌ها برای اجرای برنامه‌هایی فرهنگی منعقد می‌شود.

حسین رویین تن؛ روزنامه نگار و فعال فرهنگی:

مطبوعات و زنان عرصه ی فرهنگ و هنر بر صدر نشیند



اولین خواسته ام از مدیریت فرهنگ و هنر استان بوشهر این است که چون واقعن میان دو آزمایش جدی قرار گرفته که اصل این دو آزمایش خود نوعی رسالت عظیم و استراتژیک است که اگر سرکار خانم ماحوزی از عهده ی آن بر نیاید؛ «حالا یا نتواند یا نخواهد» ضربه ی بزرگی به دو فاکتور حیاتی که هر کدام در فاز خود دارای جایگاهی بس رفیع و متعالی می باشد، زده است. نخست این که اگر مدیرکُل گرامی نتواند و نخواهد گام های جدی و سرافرازانه یی در این میدان بردارد و عوامل جانبی در هر سبک و سیاق موفق شود، «مدیر کل زن» را در انجام رسالت سُترگ اش عقیم و ناموفق گرداند، نخستین جفا در حق «زن» و «زنان» است.

خانم مدیرکل باید با تمام وجود احساس کند که رسالت معرفی کردن «توان و لیاقت و مدیریت» زن را بر دوش دارد.

دومین رسالت خانم مدیرکُل فرهنگ و هنر استان این است که حالا که دولت تدبیر و امید این فرصت را در اختیار وی نهاده، او باید با مدیریت قوی و عالمانه و عاقلانه ی خود چنان به آسیب شناسی مدیریت های قبل بپردازد که از متن اعمال آنان بهترین روش را برای خدمت رسانی به همه ی اقشاری که به نوعی در حوزه ی وظیفه یی او می گنجد را برگزینند و اجرا کند.

نگارنده به عنوان فعال مطبوعاتی؛ نخستین انتظار و مطالبه ام از خانم مدیرکُل این است که یک یادگار بسیار زیبا از دوران مدیریتی خود در اذهان اهل قلم، هنر و اندیشه به جا بگذارد و آن این است که برخلاف سلف گذشته ی خویش بیشترین توجه را به رشد و شکوفایی «رکن چهارم دموکراسی»، مطبوعات و نشریات محلی روا بدارد.

خانم مدیرکُل باید دانسته باشد که در مدت ۸ سالی که گذشت، چه بر سر اصحاب رسانه، روزنامه نگار و نویسندگان آمد؛ یعنی در واقع آوردند. «قلم توتم اهل نگارش است». قلم همراه و همزاد نویسنده و رسالت وی است. اگر خانم مدیرکُل فرهنگ و هنر در دوران مدیریت خویش – ولو این که کم عمر باشد– بتواند جست و جویی فراهم آورد که اهل رسانه و هنر بتوانند بی دغدغه و بی دلهره به رسالت نویسندگی خویش که الحق منادیان حق و حامل انوار ضد ظلمت و تاریکی اند، بپردازنند. انصافن باید نمره بیست به ایشان داد، اگر او بتوانست هنرمند و هنرمندان را از گوشه ی عزلت بدر آورد و زمینه ی دلگرمی هنرمندان و زمینه ی توسعه ی هنر را در استان بوشهر فراهم آورد و بستری برای باز تکثری هنرمند را در هر رشته و سلیقه ای مهیا کند بر مفاخر خود و «زن» و «دولت تدبیر و امید» افزده است. انتظار دارم خانم مدیرکُل، جایگاه خبرنگار را ارتقا دهد. او را ناظری دلسوزی و ناقدی منصف به جامعه و مسئولین بالا اثبات کند. تمامی مسئولین کشور و وزیر فرهنگ و هنر باید به این حقیقت پی برده باشند اگر چشم های بینای سربازان عرصه ی هنر و خبر را پشتیبانی کرده و حمایت کنند. در نتیجه دغل بازی، کم کاری، حیف و میل، دزدی های میلیاردی، پدیده بابکیسم، شهرامیسیم، خاوریسم و ... و پدیده ی شوم زیرمیزی، رشوه، رانت و رباخواری در جامعه رخت برخواهد بست.

اجتماعی ۶
شماره ۷۲۸ - یک شنبه ۱۱ اسفند
NASIM JANOUB

مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر:

می توان کلیه امور تخصصی در ساخت و ساز را به سازمان نظام مهندسی ساختمان سپرد و دیگر نهادها وظایف نظارتی خود را انجام دهند



– ضمن عرض تبریک به مناسبت روز مهندس، لطفا به طور خلاصه به وظایف این سازمان در صنعت ساخت و ساز در استان بوشهر اشاره نمایید.

–من هم به نوبه ی خود روز مهندس را به کلیه مهندسین علی الخصوص مهندسین عضو سازمان تبریک عرض می کنم و برای آنان آرزوی توفیق در زندگی و حرفه ی خود دارم. اگر بخواهیم بصورت خلاصه شرح وظایف سازمان را تعریف کنم در واقع در سه رکن طراحی، نظارت و اجرا، حفظ ایمنی، تامین رفاه و آسایش و بهره وری اقتصادی در ساخت و ساز استان است.

– در مجموع عملکرد سازمان را در سال جاری چگونه ارزیابی می کنید؟

– با وجود کاهش ساخت و ساز در سال جاری و کاهش درآمد سازمان، سعی کردیم در ارائه خدمات به مردم و مهندسین کمترین لطمه را داشته باشیم و نظر به موفقیت های بدست آمده منجمله کسب رتبه برتر در صدور شناسنامه فنی و ملکی، عملیاتی کردن مکانیزاسیون توزیع نظارت، فعال کردن دفتر نمایندگی جم و عسلویه، پیگیری آزمایشات ژئوتکنیک و اجرای آن تحت نظارت دقیق سازمان، عضویت در شورای مرکزی، تعامل بسیار خوب با مدیران کلان استانی، بهره برداری از ساختمان جدید سازمان و دیگر موارد، ارزیابی را به مخاطبین عزیز می سپارم.

– سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر با حدود ۴ هزار نفر عضو، یکی از قوی ترین سازمان های مردم نهاد در استان بوشهر است. چه راهکارهایی برای ارتباط مستمر و تعامل با اعضا دارید؟

– به نظر من باید گفت این سازمان، قوی ترین نهاد NGO استان می باشد. جهت ارتباط بیشتر با اعضاء، مسائل فرهنگی– اجتماعی و ورزشی را تقویت کرده ایم و در کنار آن حتی موفقیت هایی نیز درسطح کشور بدست آورده ایم منجمله کسب مقام چهارم والیبال سازمانها، کسب مقام اول رشته تیراندازی بانوان، کسب مقام اول تیراندازی آقایان، کمک به حضور مهندسین در نمایشگاه های ساختمان داخل و خارج کشور، برقراری تسهیلات به کمک بانک ها و پرداخت بیش از ۱۲ میلیارد تومان جهت مهندسین در زمینه های مختلف از جمله تجهیز دفاتر و ... . در عین حال با برگزاری جلسات پرسش و پاسخ هیئت مدیره با اعضا و فعالیت ایمیل و پیامک سازمان و موارد دیگر که دائماً به اطلاع اعضا رسانده می شود، سعی کرده ایم از نقطه نظرات اعضا هر چه بیشتر استفاده کنیم. علاوه بر این با انتشار منظم خبرنامه سازمان و همچنین فصلنامه نمای ساحل و ارسال آن به اعضا، سعی کرده ایم که بدینوسیله نیز آنان را در جریان امور سازمان قرار دهیم که خوشبختانه این نشریات سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، در رتبه بندی صورت گرفته توسط سازمان مرکزی، جزو چهار نشریه برتر این سازمان در کشور قرار گرفته اند.

– شما به عنوان عضو شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور ، چه راهکارهایی برای توسعه مهندسی و اعتلای جامعه مهندسان در کشور توسط این سازمان پیشنهاد می کنید؟

– با توجه به اینکه شورای مرکزی به عنوان نماینده بیش از ۳۵۰ هزار عضو سراسر کشور می باشد و با توجه به بند ب ماده ۲۱ قانون ، شاید بتوان گفت رسیدن به این هدف، همان استفاده از پتانسیل استان ها و بررسی مسائل مشترک سازمان نظام مهندسی ساختمان استان ها و تعیین خط مشی کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت و ابلاغ آنها باشد و نهایتاً عملیاتی کردن صحیح تهیه شناسنامه فنی و ملکی ساختمان ها بسیار در این زمینه موثر خواهد بود.

– در صنعت ساخت و ساز و ساختمان شاهد موازی کاری توسط دستگاه های اجرایی و نهادهای تخصصی هستیم، چه پیشنهادی برای سپردن امور تخصصی به سازمان نظام مهندسی ساختمان جهت کاستن از این موازی کاری ها دارید؟

–در هر محور عملیاتی در صورت تعدد مراکز تصمیم گیری و موازی کاری باعث کندی کار و ضعف در آن و مشکلات خاص خواهیم بود. لذا نظر به پتانسیل عظیم سازمان ها می توان کلیه امور تخصصی در ساخت و ساز را به سازمان نظام مهندسی سپرد و دیگر نهادها وظایف نظارتی خود را انجام دهند. از صدور پروانه گرفته تا صدور پایان کار و غیره.

– با آغاز به کار استاندار جدید بوشهر، چه انتظاری از ایشان در خصوص وظایف و اهداف سازمان دارید؟

– با توجه به جلسه ای که با استاندار محترم جناب دکتر سالاری داشتم و با توجه به دید مثبت ایشان و شناخت مطلوب ایشان از پتانسیل سازمان و ساخت و سازهای استان، آمادگی حوزه مدیریتی استان را در واگذاری امور مختلف به این سازمان اعلام نمودند که ضمن تشکر از ایشان امیدواریم گام به گام در سپردن امور مهندسی به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر حرکتی با شتاب مطلوب داشته باشیم.

– در سالروز گرامیداشت مقام مهندس چه سخنی با مهندسان دارید؟

– مجدداً ضمن تبریک روز مهندس امیدوارم مهندسین در انجام شرح وظایف خود موفق بوده و در این راستا به صورتی عمل کنیم تا اعتماد جامعه را حفظ نموده و به آن بیفزاییم.

نظام مهندسی پرچمدار ساخت مسکن مقاوم باشد

معاون امور عمرانی استانداری بوشهر گفت: سازمان نظام مهندسی باید پرچمدار راستین در بحث ساخت مسکن مقاوم در شهر و روستا باشد.

به گزارش ایرنا، شاپور رستمی در نشست بررسی مشکلات نقشه های واحدهای مسکونی آسیب دیده شهرستان دشتستان افزود: سازمان نظام مهندسی رسالت سنگینی در این زمینه بر عهده دارد و باید به گونه ای اقدام کند که در ساخت هر واحد مسکونی حداقل تا ۲۰ سال دغدغه ای نداشته باشیم. وی با اشاره به زلزله اخیر در شهرستان دشتستان و تخریب شماری از واحدهای مسکونی اضافه کرد: بنیاد مسکن در این زمینه فعالیت های مطلوبی داشته و ظرفیت خوبی برای استان و شهرستان دشتستان ایجاد کرده است.

رستمی با بیان این که تلاش بنیاد مسکن برای ساخت مسکن مقاوم در شهرستان دشتستان در کوتاهترین زمان قابل تقدیر است، گفت: هدف ما این است که کاری برای مردم و در شأن آنان انجام دهیم و این حق طبیعی مردم است.

معاون امور عمرانی استانداری بوشهر یادآور شد: مسوولان استان بوشهر همت کنند از فرصت پیش آمده برای ساخت واحدهای مسکونی آسیب دیده در حادثه زلزله در شهرستان دشتستان به بهترین شکل بهره ببرند.

وی در ارتباط با موانع حقوقی در این زمینه نیز بیان کرد: در ارتباط با موانع قانونی و حقوقی فقط در شهر برازجان مشکلاتی وجود دارد و در سایر شهرهای شهرستان دشتستان در این زمینه مشکلی نداریم.

پیام مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان به مناسبت روز مهندس:

روز ملی مهندسی، فرصتی برای تلاش در راستای اشاعه فرهنگ صحیح ساخت و ساز

۵ اسفندماه روز بزرگداشت دانشمند فرزانه، خواجه نصیرالدین طوسی، روز تقدیر از مهندسانی هست که در پرتو دانش ، مهارت و توان فنی خویش، همواره پیشگامان پیشرفت و سازندگی در کشور بوده اند و مهم ترین نقش را در عرصه سازندگی ایران اسلامی داشته اند.

اینجانب ضمن گرامیداشت تلاش های ارزنده همه عزیزانی که در راه عزت، سربلندی و اعتلای ایران اسلامی فعالیت داشته اند، روز مهندسی را به تمام مهندسین ایران زمین به ویژه مهندسین استان بوشهر تبریک و تهنیت عرض نموده و برای همه آنان توفیق، عزت و سربلندی را از خداوند بزرگ آرزو دارم.

روز ملی مهندسی، فرصت باارزشی است تا با همفکری، همراهی و مساعدت کلیه ارگان های مرتبط با امر صنعت ساختمان ، تلاش خود را در راستای اشاعه فرهنگ صحیح ساخت و ساز و رعایت هر چه اصولی تر مقررات ملی ساختمان دوچندان کنیم.

انتظار می رود تا در این روز، بار دیگر با یادآوری به تعهد و مسئولیتی که در قبال یکایک ملت عزیزمان چه در زمینه مالی و چه در زمینه های جانی داریم، با یکدیگر تجدید میثاق نموده تا با تکیه بر اخلاق حرفه ای، در جهت پیشرفت و آبادانی ایران عزیز بیش از همیشه کوشا بوده و سهم مثمر ثمری در پیشبرد سند چشم انداز توسعه پایدار سرزمین مان، داشته باشیم.

علیرضا سنائی دشتی
رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر

سخنرانی نمایندگان سازمان در دبیرستانها و هنرستان های بوشهر به مناسبت روز مهندس



به گزارش روابط عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، در روز ۵ اسفندماه، مصادف با روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندس، نمایندگانی از سازمان به دبیرستان ها و هنرستان های بوشهر اعزام شده و موضوعاتی را در راستای چگونگی تاسیس این سازمان، نقش مهندسین عضو سازمان در ساخت و سازها، اهداف سازمان و لزوم رعایت مباحث ۲۱گانه مقررات ملی ساختمان و ... به منظور ترغیب دانش آموزان در انتخاب رشته های ۷گانه مهندسی ارائه نمودند.

شایان ذکر است که مهندس علیرضا کیانی در هنرستان رازی، مهندس ابراهیم سعدآبادی در هنرستان آزادگان و مهندس غلامرضا محسنی پور نیز در دبیرستان سعادت به سخنرانی پرداختند.

روز مهندس و مسئولیت پذیری مهندسان

مهندس علیرضا صبوری فرد
مدیر اجرائی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر



بار دیگر روز مهندس فرا رسید تا سپاسگزار لطفی باشیم که خداوند کریم به این قشر نموده و زمینه فراگیری دانش و کسب تخصص را برای آنها فراهم کرده تا بتوانند در پرتو تخصص خود، نگاهی نو به عالم داشته باشند و سختی ها را به مبارزه بطلبند و زندگی را برای مردم راحت تر و رام تر بنمایند.

بی شک نوآوری های کنونی که دنیا را دگرگون نموده و زندگی را معنای دگر داده است، مرهون زحمات و تلاش های مهندسانی است که در بخش های مختلف علمی و فنی، مشکلات را کشف نموده و در مقابل سختی ها سر تعظیم فرو نیاورده و با سعی خود و پس از بارها و بارها شکست و ناکامی، طبیعت را مقهور دانش و اراده خود کرده و بالاخره موفق شده اند تا دست آوردهای علمی و فنی را به بشریت عرضه نمایند که تمدن نوین کنونی نتیجه آن است.

مهار قهر طبیعت همانند سیل و زلزله و طوفانهای وحشتناک تنها در سایه کوشش مهندسان بدست آمده که بشر را در اقصی نقاط دنیا به آرامش و امنیت رسانده است. اما مهندسان تنها به مهار قهر طبیعت قانع نشده بلکه به دل کوه و جنگل و دریا زده اند و با ساختن سدهای عظیم ، شکافتن کوه و ساختن تونل و حفر چاههای عمیق و استخراج منابع زیر زمین و ... طبیعت را در خدمت پیشرفت و آبادانی انسانها قرار داده اند.

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر بر خود می بالد که در خدمت قشری قرار گرفته است و منافع صنفی و شغلی متخصصانی را پیگیری می کند که سعی دارند تا با تلفیق دانش کسب کرده و تجربه اندوخته شده، نقشه های دقیقی را برای فایق آمدن بر ناشدنی ها ترسیم نمایند و با ابزارهای مهندسی خود راههای سخت و طی نشده را برای هموطنان عزیز هموار و راحت نمایند.

خوشبختانه در سالی که رو به پایان است، شاهد مسئولیت پذیری مناسب مهندسان سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در فعالیت های صنفی و مدنی خود بودیم که به عنوان نمونه می توان به مشارکت گسترده آنان در برنامه های سازمان و امور مربوط به نظام مهندسی اشاره نمود.

ضمن تبریک فرا رسیدن روز مهندس خدمت تک تک اعضای شریف سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، امیدواریم که شاهد موفقیت روزافزون مهندسان در شغل حرفه ای و زندگی خود باشیم.

حضور رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در برنامه شونشینی به مناسبت روز مهندس



به مناسبت روز مهندس و روز بزرگداشت حکیم فرزانه خواجه نصیرالدین طوسی، مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در برنامه شونشینی شبکه استانی صدا و سیمای مرکز بوشهر حضور به عمل رسانید.

مهندس سنائی دشتی در این برنامه ضمن گرامیداشت مقام مهندس و تبریک به کلیه مهندسین استان بوشهر، به معرفی سازمان و عملکرد آن در زمینه های گوناگون از جمله صدور شناسنامه فنی و ملکی ساختمان و کسب مقام اول کشوری در این زمینه پرداخت.

وی رشته های مرتبط با صنعت ساختمان را هفت رشته برشمرد و افزود: با توجه به عدم وجود مهندس ترافیک در استان ، این سازمان در حال حاضر رشته های برق ، مکانیک، عمران، معماری و شهرسازی را تحت پوشش دارد.

مهندس سنائی دشتی از دیدار هیئت مدیره سازمان با آیت اله صفائی بوشهری نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر به مناسبت روز مهندس خبر داد و اظهار داشت: با توجه به تاکیدات امام جمعه محترم بوشهر، معماری بومی و اسلامی را بیش از پیش مورد توجه قرار خواهیم داد.

وی با یادآوری زلزله شنبه و دشتی خواستار رعایت مقررات ملی ساختمان در ساخت و سازها شد و عنوان نمود: امیدواریم با رعایت مباحث ۲۱گانه مقررات ملی ساختمان شاهد کاهش چشمگیر خسارات مالی و جانی بویژه در زمان بروز حوادث غیرمترقبه باشیم.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، نظارت بر ساختمان ها را از جمله وظایف مهندسین ناظر دانست و از مالکین درخواست همکاری متقابل با مهندسین در این امر خطیر نمود.

امام جمعه بوشهر در دیدار با هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر:

سازمان نظام مهندسی ساختمان می بایست فرهنگ مهندسی سازی را در سطح استان گسترش دهد



به گزارش روابط عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، اعضای هیئت مدیره و بازرسین سازمان در تاریخ ۴ اسفندماه سال جاری با آیت اله صفایی بوشهری نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر دیدار نمودند.

در این دیدار که به مناسبت روز مهندسی برگزار گردید، آیت اله صفایی ضمن تبریک به جامعه مهندسین استان به بکارگیری دانش، مدیریت قوی و نظارت های اصولی بر پروژه های ساختمانی تاکید کرد.

وی با بیان اینکه بایستی هم ساختمان های بزرگ و هم ساختمان های کوچک مهندسی ساز شوند اظهار داشت: سازمان نظام مهندسی ساختمان می بایست در زمینه استانداردسازی ساختمان ها با دقت سرمایه گذاری نموده و فرهنگ مهندسی سازی را در سطح استان گسترش دهد.

نماینده ولی فقیه در استان، بافت قدیم بوشهر را جزئی از فرهنگ مهندسی استان دانست و خواستار تاکیدات بیشتر بر بومی سازی و معماری های بومی و اسلامی شد.

آیت اله صفایی بوشهری افزود: حوزه شهرسازی نیازمند تحول جدی بوده و در حوزه ی تاسیسات نیز می بایست نظارت جدی صورت پذیرد.

مهندس سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر نیز ضمن تبریک به مناسبت روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندس، توضیحاتی را در خصوص سال شروع به کار سازمان، تعداد رشته های در حال پوشش و بسط خدمات مهندسی در کلیه نقاط استان در سال های اخیر ارائه نمود.

وی هدف سازمان را در زمینه ی ساخت و ساز، مسائلی از قبیل ایمنی، بهداشت، رفاه مردم استان و بهره وری اقتصادی عنوان نمود. مهندس سنائی دشتی با تاکید بر لزوم اجرای مباحث ۲۱گانه مقررات ملی ساختمان، خواستار همکاری مسئولین در راستای اجرای این قوانین در استان شد.

وی عملیاتی کردن آزمایشات ژئوتکنیک، راه اندازی ۸ آزمایشگاه، عملیاتی کردن آزمایشات کنترل کیفی بتن و استفاده از بتن آماده، صدور شناسنامه فنی و ملکی ساختمان و کسب مقام اول کشوری در این زمینه، برگزاری دوره های آموزشی و به روز نمودن توان کاربردی مهندسین، بازدیدهای علمی و تخصصی از نمایشگاه های خارج و داخل کشور، حضور فعال در زمینه های فرهنگی و اجتماعی استان و ... را از جمله اقدامات این سازمان عنوان نمود و سپردن ساخت و ساز به مهندسین مجری را نیز در دست اقدام اعلام کرد.

بهره برداری از ساختمان جدید سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در روز مهندس



در روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندس از ساختمان جدید سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر بهره برداری گردید.

در این مراسم که با حضور اعضای هیئت مدیره، مسئولین سازمان برگزار شد مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان ضمن تبریک روز مهندس رشد کمی مهندسین را از سال ۷۶ تاکنون قابل توجه دانست و متقابلا با توجه به افزایش ارائه خدمات در زمینه های گوناگون ، بر ضرورت تقویت فضاهای اداری تاکید نمود.

ادامه داد: در حال حاضر با کاهش ساختمان ها و متمرکز کردن واحدها و بخش های مختلف سازمان، مدیریت مطلوب تر و خدمات بهتری خواهیم داشت.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر داشتن ارزش افزوده و بهره وری های اقتصادی را یکی دیگر از مزایای این ساختمان دانست.

مهندس سنائی دشتی از بسط خدمات دیگر سازمان خبر داد و افزود: سازمان تلاش نموده است خدمات را در نقاط مختلف استان تقویت نماید. و خرید ساختمان هایی در شهرستان های برازجان، کنگان، گناوه، خورموج و عالیشهر را از جمله ی این اقدامات عنوان نمود.

وی در پایان اظهار داشت: افتتاحیه رسمی ساختمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر با حضور مسئولین به پس از تکمیل نمای ساختمان موکول خواهد شد.





یادداشت بازیکن ملی پوش بوشهری برای روز بوشهر
دوستت داشتم، دارم و خواهم داشت



حسین ماهینی، بازیکن بوشهری و محبوب تیم پرسپولیس به مناسبت فرارسیدن "هفته بوشهر" یادداشتی برای دبیرخانه ستاد روز بوشهر ارسال کرد.
در این یادداشت آمده است:
آرام آرام با مستطیل سبز آشنایم ساختی، دوستت داشتم، دارم و خواهم داشت.
اسفندماه هر سال بهانه‌ای است تا پیشقدم مبارک بهار به بهانه سالگرد تاسیس مدرسه سعادت، جشنی را به مناسبت روز بوشهر برگزار کنیم. امسال نیز همچون سالهای پیش فرصتی فراهم نشد تا در کنار شما در این روز عزیز در بوشهر باشم، باشد که جای من را نیز خالی کنید.

دل اسیر نام خوش بویت بود بوشهر من
جان فدای مردم کویت بود بوشهر من
شهر آب و نخل ای گهواره اجداد من
هستی‌ام از مهر دلجویت بود بوشهر من

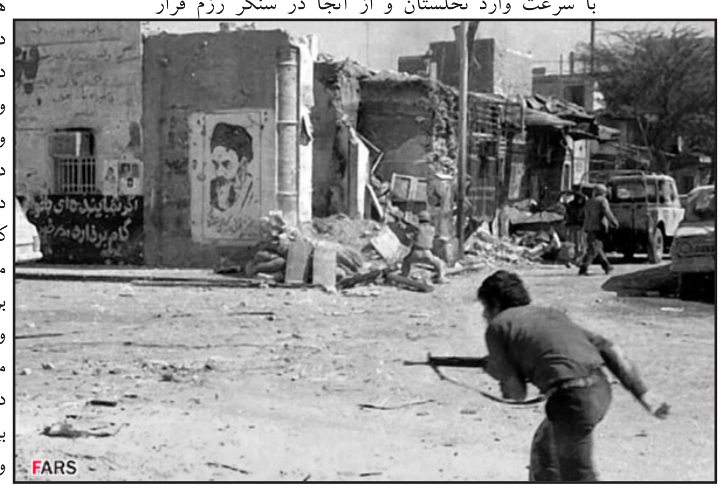
کهن دیارم، بوشهرمن ای سرزمین امید، سرای همیشه جاوید ای دیهیم آفتاب برتر، تو باز برایم ترانه کودکی‌هایم را بخوان ز شرجی و از گرما بخوان: به قربون هم شرجی و هم گرمای بوشهر، بنازم منظره غروب تو دریای بوشهر از نخل های استوارت که سر بر سجاده آسمان می گذارند، از مردان مردت که تاریخی گواهی دلیری آنهاست، از نیلی بی پایانت خلیج همیشگی فارس بخوان: بخوان زمزمه کن برایم: بوشهر نهنگ پیرن خاک پاک مرد دریان، سی خومون ایی خاک خورشید، اول و آخر دنیان.
لالایی های مادرم را که مرور می کنم هیچ قصه‌ای بی نام تو شکل نمی گیرد این روزها آنچنان با دل و جانم عجین شده ای که هر لحظه تب وصالت مرا به آوردگاه جنون می کشاند.
حال که من در گهواره ات زیستم و اقتضای زمان مرا از تو دورساخته، بدان که دل در گرو مهر بی پایانت دارم و توان ساقهایم را از برکت تو دارم.



ناگفته های پرویز قوسی از نبرد بوشهری ها در جنگ با متجاوزین عراقی (۷)
شهادت دریاقلی و جنگ نابرابر



نزدیک به غروب بود که من دریا قلی را یک بار دیگر دیدم، این دفعه سلاح ژ-۳ در دست داشت و در سنگری قرار گرفته بود که دید تیر مناسبی نسبت به دهانه ورودی همان پلی داشت که عراقی ها با تمام توان و قوا برای حفظش و ما برای تصرفش نفر به نفر می جنگیدیم.
عراقی ها بد گیرکرده بودند و نه راه فرار داشتند و نه راه نفوذ، تنها راه برای آنها مرگ ذلت بار بود و بس.
رزمندگان دلیر و مردان نسل تکرار نشدنی، تمامی ساعی و تلاش خود را با تقدیم جان با طیب خاطر، عرصه را چنان بر کماندوهای عراقی تنگ کرده بودند که دهانه پل انباشته از کشته های متجاوزان بود.
تنها یک موشک از چهار موشک آر.پی.جی برای من باقی مانده بود. بیشتر روز را با اسلحه ژ-۳ جنگیده بودم. یکدفعه متوجه شدم که آقای دریا قلی من را با اشاره دست مخاطب قرارداده و سعی می کند چیزی را به من بگوید. هر چند که سنگر ما تا سنگر او فاصله چندانی نداشت اما صدای مهیب پی درپی انفجار نمی گذاشت صدای او را بشنوم. از جا بلند شده و مثل برق خودم را به سنگر ایشان رساندم.
با حالتی وصف نشدنی و ذوق زده، خودرو جیپ فرماندهی عراقی را به من نشان داد که داشت از روی پل به سمت ما می آمد. بلافاصله موشک را در قبضه جا زده و جیپ را بر روی پل به دقت نشانه رفتم و با یک «یاعلی» بلادرنگ موشک را شلیک کردم .موشک جیپ و تمامی سرنشین آن در یک چشم بهم زدن منهدم و در قهر بهمنشیر فرو برد.
طولی نکشید که باران گلوله و خمپاره بر سنگر ما یکی پس از دیگری فرود آمد. سنگر ما شناسائی شده بود و در همین موقع بود که دیدم دریا قلی غرق در خون روی دوش من فرود آمد. ترکش گلوله توپ، وی را به سختی زخمی کرده بود.
وضعیت حاکم بر میدان نبرد، شدت و حجم آتش بر روی سنگر ما باعث گردید من نتوانم کاری جز بستن پارگی اصابت ترکش توپ برای ایشان انجام دهم. شدت خون ریزی به حدی بود که می دانستم طولی نخواهد کشید که دریاقلی از همین سنگر به سوی خدا پرخواهد کشید.
یواش یواش داشت شب فرا می رسید. برتری در تمامی منطقه نبرد با سلحشورانی بود که برای تحقق بیرون راندن متجاوزین با طیب خاطر تقدیم جان میکردند و چه زیبا و مردانه اثبات میکردند که تا آخرین قطره خون از پای نخواهند نشست.
در بین رزمندگان درگیر در صحنه نبرد، جوانان کم سنی البته با صلابت و شجاع دیده می شدند. آنان در خیل بعثیان متجاوز، حماسه ها بوجود میاوردند که شاید دیگر هیچگاه تاریخ به خود نخواهد دید. همه ما مدیون آن رشادت ها خواهیم بود تا قیام قیامت.
کثرت شیر مردان در عرصه نبرد تن به تن باعث گردید، (شهید) عباس کامکاری بخشی از ما را جهت تجدید قوا بلحاظ گرسنگی، تشنگی و خسته بودن پس از جنگیدن در یک روز بسیار سخت و طاقت فرسا، کمی به عقب برده و در یک جای مناسب اما با هشیاری کامل به منظور نیاز در صورت ضرورت به خط درگیری، مستقر سازد.
باور بفرمائید همه ما چند روزی بود که غذای درست و حسابی نخورده بودیم. اصلا در آبادان که حالا در محاصره کامل قرارگرفته بود غذای مناسبی نبود که به ما برسد. در آن موقع به یاد غذای مادرم می افتادم که خیلی وقت ها از آبگوشتش گله داشتم و ناز می کردم و نمی خوردم.
من، مصطفی بندور، (شهید) یوسف ناصری، حسن آبادی، جهانگیر معصومی، خشنود در یکی از منازل کوی ذوالفقاری اسکان کردیم و محل آن را به فرمانده گروه (شهید) کامکاری اطلاع دادیم که در صورت ضرورت و نیاز ما را فرا بخواند.
بدون شام و حتی تکه نان خشکی به خواب عمیق فرو رفتم ولی هنوز ۲ساعت از خواب ما نگذشته بود، که پیک فرمانده گروه همه را بیدار کرد و گفت بریم که عراقی ها دارند از روی پل نیرو عبور میدهند و الان است که درگیری شدت بیشتری پیدا کند.
با سرعت وارد نخلستان و از آنجا در سنگر رزم قرار



گرفتیم. من کنار عباس کامکاری که شاید تا آن موقع بیش از یک روز نخوابیده و هیچ غذائی نخورده بود با اسلحه سبک به رزم پرداختم. سنگر ما بر اثر تیراندازی ممتد و مدام پر از پوکه فشنگ سرد و گرم بود و همه زیر پای من جیرینگ جیرینگ می کردند.
تا سحر این وضع ادامه داشت. عراقی ها توسط نیروهای مخصوص کماندو و آتش تهیه سبک و سنگین، فشار وحشتناکی می آوردند و مصمم بودند که تا صبح نشده ما را به عقب رانده و دید و تیر ما را از دهانه پل برداشته و جا پای مناسبی برای هجوم گسترده تر از قبل، در کوی ذوالفقاری بوجود آورند.
در بعضی جاها عراقی ها نفود کرده و مقداری بچه ها را پس زده بودند. این اصلا علامت خوبی برای فردا صبح نبود و اگر این رخنه تا قبل از سپیده دم ترمیم نمی شد، شاید برتری میدان نبرد را بدست گرفته و ما را که در خط جلو بودیم دور زده و در محاصره قرار داده و تارومار می ساختند.
مشکل اساسی ما این بود که هیچ آتش سنگین (توپخانه) و یا حداقل سبک (خمپاره) ما را حمایت نمی کرد، به این معنا که آن طرف رودخانه بهمنشیر عراقی ها همه تجهیزات را برای یک هجوم گسترده پای کار آورده و فوج فوج نیروی تازه نفس وارد عمل و صحنه می نمودند، و از این طرف ما نه تنها می بایست از نفوذ گسترده آنها جلوگیری می کردیم، بلکه باید آنها را مجبور به عقب نشینی هم می کردیم. با چی؟ با سلاح و امکانات محدود ابتدائی انفرادی (ژ-۳- آر.پی.جی -نارنجک و نارنجک تفنگی).
اصلا موضوع توازن قوا عراق و ما از دید مادی قابل بحث و قیاس نبود. قاعدتا در یک معادله سر انگشتی و نظامی می بایست ما عقب نشینی نموده و منطقه را با دادن تلفات سنگین واگذاری می کردیم. این را عراق خوب درک کرده بود که اگر بتواند نیروی مقابل را درهم شکند تا اروندرود و متصل کردن خاک ایران عزیز به آن سوی اروند (عراق) هیچ مقاومت جدی را پیش رو نخواهد داشت. لذا دیوانه وار به دیوار گوشتی ما فشار مضاعف وارد می نمود و هر دقیقه این فشار را با وارد نمودن کماندوهای مخصوص گارد و آتش سنگین، یک نفس ادامه می داد.
ولی بچه های این آب و خاک موضوع را از دید و پنجره دیگر می دیدند. ما عقب برو نبودیم. اصلا ما آمده بودیم که تا آخرین قطره خون در راه دفاع از مال و میهن جانفشانی کنیم.
همه بچه های رزمنده حاضر در صحنه نبرد و درگیری، این مهم را از عمق جان درک و با دید معنوی به موضوع نگاه میکردند. رسیدن و باور داشتن به این مهم کار را برای ما سهل و آسان کرده بود. اصلا خود من می بایست در یکی از درگیری های مخوف تن به تن در خرمشهر که بارها برایم پیش آمده بود کشته می شدم و حالا اگر اینجا این اتفاق می افتاد چه فرقی میکرد. موضوع تا این حد برای همه حل شده بود. پس عقب نشینی و واگذار کردن خاک به دشمن بعثی وحشی مفهوم نداشت و این باور تک تک رزمندگان دلیر ایران زمین بود.
بیشترین زد و خورد در محور اصلی دهانه ورود و خروج پل احداث شده عراقی بر روی بهمنشیر در حال جریان بود. دیگر هوا داشت کم کم روشن میشد. توپخانه سنگین عراقی ها بر حجم آتش خود لحظه به لحظه می افزود، دشمن می دانست که با از بین رفتن نیروهای محدود ما در جلو پل، کار تمام شده خواهد بود.
عراقی ها با رخنه و نفوذ در سمت چپ جناح منطقه نبرد که از همان اول شب آغاز کرده بودند، باعث شدند تا تمامی میدان نبرد بطور جدی مورد تهدید قرار گیرد.
سنگرهای مقدم ما به شدت مورد اصابت گلوله و کالیبر سنگین قرارمی گرفتند. یواش یواش داشت میدان نبرد به نفع عراقی ها تغییر میکرد، تلفات ما از دمیدن صبح رو به افزایش رفت...
ادامه دارد...

دل نگران سربازان وطن

امید سعیدی



بعد از تمام شدن اداره داشتم میرفتم خانه، دو تا سرباز را دیدم که با کوله پشتی و وسایلشان کنار خیابان ایستاده و منتظر ماشین بودند. مشخص بود که هم غریبند و هم تازه سرباز. یادم به تنهایی روز اول خدمتم افتاد و دلم برایشان سوخت. جلوی پایشان ایستادم و گفتم کجا میرین ؟ بیان بالا تا برسونمتون؟
یکیشون گفت: چند میبری؟ گفتم بابا من میخوام برسونمتون. من مسافرکش نیستم. خلاصه تو بین راه با هم حرف زدیم. متوجه شدم که بچه اهواز هستند و تازه آمدن بوشهر و یک آدرسی هم به آنها دادن، منم به یکی از دوستانم زنگ زدم و آدرس را از او پرسیدم و بعد از بیست دقیقه ای رفتن و پرس و جو جلوی پادگان پیاده اشان کردم. یکیشان دست کرد و شش هزار تومان گذاشت توی ماشین. من با اصرار پول را بهش برگردوندم و گفتم: من که مسافر کش نیستم، من فقط چون دیدم کنار خیابان تنها ایستادید، دلم خواست برسونمتون. تنها دوست داشتم که شما را برسانم به مقصد.
هدفم از بیان داستان بالا یادی از سربازان عزیزی است که مدتی است که در اسارت گروه های تروریستی قرار گرفته اند. منی که سرباز بودم و در میان این گروه زندگی کردم، به خوبی میدانم که این بچه ها چقدر دغدغه آینده دارند و چقدر خانواده هایشان حتی برای لحظه ای شنیدن صدایشان شب و روز ندارند. ای کاش کسی به این عزیزان توجه می کرد تا به آغوش خانواده هایشان با سلامتی برگردند. ای کاش در ورای این هیاهوهای سیاسی، کمی هم به فکر این عزیزان بدون حزب بیفتید، آن هایی که از میان خود مردمند. اگر این اتفاق برای یکی از سربازان آمریکایی می افتاد، مسلما هم اکنون تمام رسانه های آمریکا چنان به این موضوع می پرداختند که دولت آمریکا را مجبور به واکنش و رایزنی برای آزادسازی آن ها می کرد. تفاوت رسانه های ما با کشورهای توسعه یافته، داشتن رسانه هایی آزاد است که بتوانند صدای مردم را به گوش دولتمردان برسانند. دیپلماسی یعنی علم گفت و گو و رایزنی برای حصول نتیجه لازم و اینجاست که دیپلماسی فعال یک کشور به داد آن کشور می رسد و می تواند سبب آزادسازی سربازانش شود. امیدوارم که در زمان درج این مقاله راهی برای برون رفت از این بحران پیدا شده باشد.

اتاق بازرگانی بوشهر میزبان گفتگوی بخش خصوصی و دولت
از مشکل برق تا سنگ اندازی بانک ها پیش پای پرورش دهندگان میگو

اولین جلسه شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت با حضور مصطفی سالاری استاندار بوشهر برگزار شد.
این نشست به میزبانی اتاق بازرگانی بوشهر و با دو موضوع برق چاههای کشاورزی جنوب استان و مشکلات صنعت پرورش میگوی بوشهر با حضور فعالان این بخش و مدیران مربوطه برگزار شد.
این نشست که قرار بود ساعت ۱۰:۳۰ پنج شنبه آغاز شود، با تاخیر یک ساعته به دلیل عدم حضور به موقع استاندار برگزار شد.
بخش نخست گزارش «خلیج فارس» در خصوص موضوع اول این شورا درباره هزینه برق چاههای کشاورزی جنوب استان را در ادامه می خوانید:

٤ شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت در هفته های آتی

در این نشست رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بوشهر خبر داد: قرار است از این هفته ۴ جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی در روزهای پنج شنبه باقی مانده سال با حضور استاندار برگزار شود.
به گفته شریف پور بوشهری، این نشست ها با حضور مدیران مربوطه به تصمیم سازی هایی جهت رفع مشکلات و نیازهای بخش خصوصی در استان یا پیگیری جدی تر در سطح ملی تا حصول نتیجه منجر می شود.
وی افزود: از سال ۹۰ که شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت در کشور کلید خورد، مدیران وقت استان تنها حاضر به شرکت در یک جلسه شدند، اما در دولت تدبیر و امید با تغییراتی که در سطح مدیریت کلان کشور و نگاه ویژه ای که برای کمک به بخش خصوصی شاهدیم، امید می رود این جلسات به صورت مستمر برگزار و منجر به نتیجه شود.
وی ادامه داد: با توجه به درخواست چند ماه گذشته اتحادیه صنفی کشاورزان جنوب استان در خصوص مشکل هزینه برق آبشیرین کن های اراضی زارعی شان، با دستور استاندار برای بررسی موضوع به صورت مشترک توسط جهادکشاورزی، شرکت برق و صنف کشاورزان، اما هنوز مشکل مرتفع نشده، از این رو به عنوان دستور کار اول جلسه مورد گنجانده شده است.

هزینه ۸۰۰ تا یک میلیون تومانی برق آبشیرین کن ها بر دوش کشاورزان بوشهری

نماینده کشاورزان جنوب استان در خصوص دستور کار اول شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت خطاب به استاندار گفت: در پی شور شدن چاههای کشاورزی جنوب استان از جمله مزارع گوجه دیر، کشاورزان ناگزیر به استفاده از آبشیرین کن ها هستند تا آب با کیفیت تری از چاه به زمین کشاورزی شان برسانند، اما هزینه آن با نرخ صنعتی محاسبه می شود که برای این قشر کمرشکن و غیراقتصادی می باشد. علی کرمی افزود: با وجود آنکه در مصوبه سال ۹۰ هیات دولت، وزارت نیرو موظف به تامین آب کشاورزان شده، اما حالا که کشاورزان با وام و سرمایه خودشان نسبت به خرید دستگاههای آبشیرین کن و احیای زمین های منطقه اقدام کرده اند، شرکت برق بوشهر تفسیر خودش را از این مصوبه دارد و نرخ برق این دستگاهها را صنعتی محاسبه می کند. این درحالی است که کشاورزان با آب شیرین شده تجارت راه نینداخته اند که بهای برق این دستگاهها با نرخ صنعتی محاسبه می شود، ضمن اینکه نماینده جهاد کشاورزی، شرکت برق و کشاورزان در منطقه حاضر شده و دیدند که آب شیرین شده تنها صرف زمین های کشاورزی می شود، اما هنوز اقدام موثری برای تغییر تعرفه صورت نگرفته است. وی ادامه داد: محاسبه برق آبشیرین کن های کشاورزی با نرخ صنعتی باعث شده ماهانه ۸۰۰ تا یک میلیون تومان به کشاورزان تحمیل کند، درحالی که درخواست داریم این دستگاهها جزوی از ادوات کشاورزی منظور و نرخ برق آنها کشاورزی محاسبه شود.

آبشیرین کن ها باید جزیی از ادوات کشاورزی محسوب شود

رییس سازمان جهادکشاورزی استان بوشهر هم در این نشست ضمن تایید گلایه کشاورزان اظهار داشت: با توجه به شور شدن منابع زیرزمینی، کشاورزان خصوصا در جنوب استان چاره ای جز استفاده از آب شیرین کن ها ندارند و باید آن را جزیی از ادوات کشاورزی دانست، وگرنه آب باکیفیت به اراضی نمی رسد و کشاورزی منطقه ازبین می رود.
نوذر منفرد افزود: استفاده از این آبشیرین کن ها نزدیک به ۸۰۰ هزارتومان در هر دوره بر کشاورزان تحمیل می کند، درحالی که اگر مسئولان وزارت نیرو بپذیرند آبشیرین کن همانند پمپ آب برای چاههای کشاورزی ضروری است و برق آن با نرخ کشاورزی محاسبه شود، کمک زیادی به آنها می شود.

اعتراض استاندار به نماینده شرکت برق

پس از آن تل اشکی نماینده شرکت توزیع نیروی برق گفت: از آنجا که در فرآیند آبشیرین کن تصفیه صورت می گیرد، نه پمپاژ آب، مجوزی برای محاسبه آن با نرخ کشاورزی نداریم.
زمانی که وی در پاسخ به درخواست استاندار درباره اینکه به صورت مستند درباره تعرفه های برق کشاورزی توضیح دهد، اعلام کرد تعرفه ها را با خودم نیاورده ام، استاندار به وی انتقاد کرد و گفت: حضور مدیران با دست خالی و بدون مستندات کافی در این جلسات صحیح نیست و پاسخ هایی از این دست پذیرفتنی نمی باشد. استاندار بوشهر سپس خطاب به این مدیر برقی گفت: مصوبه دولت که در اختیار بنده می باشد، درباره آبشیرین کن در مزارع کشاورزی سکوت کرده، ولی جای تعجب است که چرا قانون به ضرر کشاورزان تفسیر می شود.
زمانی که نماینده شرکت برق هم پذیرفت که قانون در این بخش شفاف نیست، سالاری گفت: معاون برنامه ریزی استاندار باید در نشستی تخصصی تر بهای برق آبشیرین کن ها را بررسی کرده و اگر تجربه مشترکی در استان های دیگر وجود دارد از آن برای کمک به کشاورزان بهره ببرد، وگرنه موضوع را با شرکت توانیر پیگیری خواهیم کرد.



برگشت اعتبارات کشاورزی گلخانه ای زیر سر بانک هاست

در این نشست سالاری استاندار بوشهر یادآور شد: درخواست محاسبه بهای برق آبشیرین کن های کشاورزی توسط معاون برنامه ریزی پیگیری خواهد شد و اگر در استان حل و فصل نشد، در شرکت توانیر پیگیر این مسئله خواهم بود. وی همچنین با بیان اینکه اولویت بخش کشاورزی توسعه گلخانه ها می باشد، افزود: براساس اعلام وزارت جهادکشاورزی ۹۰ درصد تسهیلات این بخش برگشت می خورد و تنها از ۱۰ درصد استفاده می شود که به نظر می رسد باید در زمینه تبلیغ این نوع کشت و توجیه کشاورزان برنامه ریزی بیشتری صورت بگیرد. پس از این سخنان، علی کرمی نماینده کشاورزان جنوب استان خطاب به سالاری گفت: برگشت اعتبارات کشت گلخانه ای زیر سر بانک هاست. وی گفت: اگرچه قانون خوب نوشته شده و تسهیلات مناسبی هم برای توسعه گلخانه ها پیش بینی می شود، ولی وقتی بانک ها با تفسیرهای شخصی زمین کشاورز را به عنوان وثیقه نمی پذیرند، طبیعی است کاری صورت نمی گیرد و اعتبارات هم برگشت می خورد.

مصوبه دولت سابق درباره برق سایت های پرورش میگو اجرا نشد

رییس اتحادیه پرورش میگو دراستان بوشهر گفت: با وجود این که استان بوشهر حدود ۷۰ درصد تولید میگوی پرورشی کشور را دارد، نبود برق و آب در بیشتر سایت های پرورش میگو مهمترین مشکل اصلی فعالان این صنعت دراین استان است که مسوولان باید توجه بیشتری به این امر داشته باشند.
ابراهیم عباسی ادامه داد: در سفر دوم استانی دولت سابق در بهمن ماه ۸۶ مصوب شد سایت های پرورش میگو رود شور، حله و دلوار برق رسانی شوند ولی تاکنون این طرح ها اجرایی نشده است. وی یادآور شد: با وجود این که زمین اجرای این پروژه تامین و ۱،۳ میلیارد از شرکت توانیر به شرکت برق منطقه ای فارس برای اجرای طرح های برق رسانی به این سایت های پرورش میگو پرداخت شده، اما تاکنون کاری در این زمینه صورت نگرفته است.
وی اظهارکرد: در این ارتباط ۱۲۰پایه برق فشار ضعیف طراحی ولی تنها برای ۳۰ پایه بتن ریزی شده و مابقی از سال ۸۷ تاکنون رها شده است، درحالی که با اجرای طرح های برق رسانی در سایت های پرورش میگو هزینه تولید این آبزی دراین مراکز پرورشی ۵۰ درصد کاهش می یابد.
رییس اتحادیه پرورش میگوی استان بوشهر اضافه کرد: تا کنون هیچ یک از بانک ها تعاملی با پرورش دهندگان برای تامین سرمایه در گردش نداشته اند و با سخت گیری های زیاد هیچ یک از پرورش دهندگان نتوانسته اند از سرمایه در گردش بانکی استفاده کنند.

از مشکل برق تا سنگ اندازی بانک ها پیش پای پرورش دهندگان میگو

محمد قدسی یکی از پرورش دهندگان میگو در استان بوشهر نیز گفت: برقی کردن و تامین آب شرب سایت های پرورش میگو از مهمترین مشکلات پرورش دهندگان است. قدسی افزود: با وجود این که پرورش دهندگان اقدام به پرداخت اقساط خود کرده اند ولی بانک ها در زمینه سرمایه در گردش با ما همکاری نمی کنند و در صورت خواستن تسهیلات درخواست وثیقه ملکی می کنند که این امر جز سنگ اندازی در مقابل صنعت پرورش میگو چیز دیگری نیست. وی اضافه کرد: مسوولان درصورتی دغدغه سایز میگوی پرورشی را دارند که تنها کارخانه تامین کننده غذای میگو در استان بوشهر که بهترین غذا را تولید می کند مواد اولیه آن هر سال سه ماه در گمرک معطل می ماند. قدسی اضافه کرد: استان بوشهر ظرفیت تولید میگو از ۶۰ هزار هکتار و ارز آوری قابل توجهی از زمین های غیر قابل کشاورزی را دارد اما این درصورتی حاصل می شود که مسوولان در فراهم کردن زیرساخت ها با پرورش دهندگان همکاری کنند.

۱۸ میلیارد ریال را به پرورش دهندگان برگردانید

وی همچنین انتقاد کرد: ۱۸ میلیارد ریال یارانه نقدی دولت به پرورش دهندگان به حساب سازمان صنعت و تجارت واریز شد، اما به دلیل بی مبالاتی این اداره، مبلغ مذکور مصادره و به طلبکار ۲۰ سال پیش آنها داده شد. قدسی با اشاره به مشکلات سرمایه در گردش سایت های پرورش میگو خطاب به استاندار گفت: انتظار داریم استاندار پیگیر حق پرورش دهندگان باشند و تا ابتدای فصل جدید مزارع از اردیبهشت ماه این مبلغ را به پرورش دهندگان برگردانید.

مخالفت اداره کار با ورود تکنسین های تایلندی و واکنش استاندار

در این نشست عبدالمجید کاردانی یکی از پرورش دهندگان میگوی استان هم عدم مجوز اداره کار برای ورود تکنسین های تایلندی عنوان کرد و گفت: به دلیل ضعف کارشناسی نیروهای داخلی، ورود این تکنسین ها اجتناب ناپذیر است و باید رعایت ملاحظات قرنطینه ای نسبت به حضور آنها در مزارع اقدام کنیم. حیدری مدیرکل اداره کار استان هم گفت: با توجه به اینکه تعداد زیادی فارغ التحصیل شیلات در استان داریم، مخالف ورود نیروهای خارجی فاقد مهارت و مدرک به اسم تکنسین هستیم و این اصرار جای تعجب دارد.
پس از آن حاجیان مدیرکل شیلات بوشهر گفت: ورود این تکنسین ها جای تعجب ندارد و برای پویا ماندن سایت های پرورش میگو راهی جز استفاده از تجربیات آنها نداریم، چراکه به دلیل سختی کار در این سایت ها، کمبود نیرو داریم و باید از امثال آنها استفاده شود. پس از این سخنان، استاندار بوشهر گفت: حضور کارشناسان خارجی در بخش تکثیر در شرایط کنونی محدود نمی شود و اداره کار باید در این زمینه همکاری کند، ولی باید فعالان این بخش قول اخلاقی بدهند که آموزشهای لازم از این بخش را فرا بگیرند و به تدریج به سمت استفاده از تکنسین های داخلی بروند تا اگر در آینده مانعی برای حضور خارجی ها پیش آمد، دچار مشکل نشوند.

وعده استاندار برای پیگیری کمک ۱۸ میلیاردی به پرورش دهندگان

استاندار بوشهر نیز در نشست شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی گفت: هم اکنون سرمایه صندوق حمایت از کشاورزان استان بوشهر ۲۰ میلیارد تومان است که باید با تقویت سرمایه این صندوق بخشی از مشکلات پرورش دهندگان میگو در استان حل شود. مصطفی سالاری افزود: پرورش دهندگان میگو از محل حمایتی سال گذشته ۱۸ میلیارد ریال مطالبات دارند که اعتبار لازم برای این منظور در بودجه سال آینده تامین شده و در موعد مقرر پرداخت می شود. وی اضافه کرد: استان بوشهر از ظرفیت های خوبی در زمینه پرورش میگو برخوردار است بنابراین برای توسعه این صنعت اراضی مستعد پرورش میگو باید به سرمایه گذاران واگذار شود.

مشکل برق سایت های پرورش میگو مرتفع می شود

استاندار بوشهر برق رسانی به سایت های پرورش میگو را از دیگر مشکلات پرورش دهندگان عنوان کرد و ادامه داد: ۴۵ میلیارد ریال اعتبار برای اجرای طرح برق رسانی به سایت های پرورش میگو اختصاص یافته است که تلاش می شود با این اعتبار مشکل این سایت ها در این زمینه برطرف شود.
وی گفت: به منظور حل مشکلات برق سایت های پرورش میگو با هماهنگی های به عمل آمده پست برق ۱۳۲ کیلو ولت و خطوط فشار متوسط در این سایت ها اجرا می شود. استاندار بوشهر درباره محدودیت در ورود بچه میگو به استان بوشهر اظهار کرد: موافق قطع واردات بچه میگو به استان نیستیم چون انحصار در هر بخشی خوب نیست ولی در خصوص استان های دارای ریسک، دامپزشکی در خصوص ورود بچه میگو مراقبت بیشتری داشته باشد. سالاری اضافه کرد: همچنین در مورد صدور مجوز شرکت تکثیر و پرورش میگو نیز شیلات باید چارچوب کلی را به نظام مهندسی ارایه و از نظر مشورتی اتحادیه پرورش دهندگان استان نیز استفاده شود.



هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر

نوشته فیس بوکی استاندار بوشهر

ارتباط مستقیم و اتفاقی با شهروندان



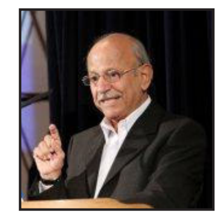
استاندار بوشهر در سومین مطلب فیسبوکی اش از اقدام و جلسات اخیرش تا بازدید نیمه شب از ساحل بوشهر و گفتگو با برخی شهروندان نوشت که در ادامه می خوانید:

سلام، چهارشنبه روی طرح مطالعات جامع استان یا همان آمایش کار کردم. بایستی تقسیم کار بین همه دستگاههای اجرایی (ادارات کل) را دقیقتر میکردم. چندین ملاقات کاری داشتم، سپس عصر شورای برنامه ریزی استان را با حضور کلیه فرمانداران و مدیران کل برگزار کردیم. تاکید شد مدیران بروند سراغ وجوه متمرکز از وزارتخانه ها و سرمایه گذاری بخش خصوصی و به منابع اعتبارات استانی اکتفا نکنند. تاکید کردم ملاک ارزیابی مدیران منبع توانایی آنها در جذب و سهم بیشتر از این دو منبع خواهد بود. بر نظارت بر انتخاب صحیح و اجرای کار پیمانکاران تاکید شد و مقرر شد ادارات منابع موجود را سریعتر هزینه کنند چون پایان سال است و تخصیص جدیدی هم به استان خواهیم داشت. شب، شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت با موضوع اختصاصی خرما با اتحادیه نخلداران و صنایع بسته بندی و فرآوری و صادر کنندگان خرما در محل اتاق بازرگانی استان و با حضور مدیران کل ذیربط برای حل مشکل فروش خرمای نخلداران برگزار شد. کشاورزان و بخش خصوصی مشکلات و درد دلشان را گفتند و تقسیم کاری برای رفع مشکلات شد و قرار شد در فاصله تا جلسه بعدی انجام شود. هفته قبل هم جلسه اتاق به میگو اختصاص داشت. هفته های آینده هم این جلسات را برای بررسی مشکلات لنجداران، گوجه کاران، تجار، بازاریان و ... ادامه خواهیم داد. ساعت ۱۱ شب هم عازم شیراز شدم تا در اجلاسیه منطقه ای جامعه مدرسین حوزه علمیه بنا به دعوت آیت اله ایمانی، حسینی بوشهری و صفایی بوشهری شرکت کنم. حدود سه بامداد رسیدیم شیراز و صبح به محل اجلاس رفتیم. ساعت ۱۱ به مدت ۱۰ دقیقه وقت سخنرانی من بود که راجع به لزوم وحدت و عدم تفرقه بین شیعه و اهل سنت و .. نکاتی گفتم. فورا عازم بوشهر شدم. چند جلسه و کارهای برنامه ریزی داشتم، سپس به مراسم روز وکیل مدافع رفتم. ساعت ۸ و نیم به مدت ۲۰ دقیقه راجع به همکاری وکلا در تقویت و فراگیر شدن حقوق شهروندی و سازماندهی حقوقی معاملات و فعالیتهای غالب صحبت کردم و به دفتر برگشتم و سپس حدود ساعت ۱۱ شب به اتفاق معاون برنامه ریزی رفتیم ساحل و تا ۱۲ و نیم حدود ۴ کیلومتر قدم زدیم تا ارتباط مستیم و اتفاقی با شهروندان برقرار شود. برخی هم استانی ها می آمدند و مسایلی مطرح میکردند از جمله بازسازی سریع کنده کاری خیابان ساحلی را. جوانی گفت که به شهرداری گفته ایم تا ۱۵ اسفند باید آسفالت کند.

روز بوشهر، روز خاطره ها و یادآوری

بوشهر، نسیم نشاط آمیز زندگی

دکتر جعفر حمیدی





درباره ی روز بوشهر، در دو سه سال گذشته، مطالب بسیار نوشته ام. چنان که شنیده ام امسال نیز مراسم هفته ی بوشهر مفصل تر و گسترده تر، اجرا خواهد شد. در سال های پیش نیز، روند کارها و اجرای برنامه ها واقعاً با علاقه مندی و دقت خاصی برگزار می شد. بوشهر «مظلوم محترمی» است که هر کاری و احترامی درباره اش، انجام گیرد، شایسته و سزاوار آن هست. شهری که این همه هنرمند، شاعر، نویسنده، ورزشکار، پزشک، مهندس و متفکر دارد، هر نوع بزرگداشت و نیکوداشتی از آن به عمل آید بجاست. حرمت معماری و بافت متفکرانه اما در حال احتضار بوشهر، تنها خود می تواند پدیدآورنده ی صدها کتاب و هزاران مقاله باشد. دنیای ماشین زده و شتاب آلود امروز، که هیچ سری، سودای دیگری ندارد و فکر معاش و غم نان یا حرص نان، همه را گرفتار کرده و قدرت تفکر و اندیشیدن را در آدمی ضعیف کرده است، به ما اجازه نمی دهد که لااقل روی همین بافت قدیم فکر کنیم و از تفکری که پیشینیان ما در پدید آوردن این بافت هندسی و مهندسی عاقلانه و با شعور بسیار داشته اند، لذت ببریم. هیچ یک از ابزار و مصالحی که در صنعت و هنر معماری به کار برده اند خالی از اشتیاق زیستن نبوده است.

ساختمان های محکم، سقف های بلند، درها و پنجره های متعدد و هواگیر، شیشه های رنگارنگ، هلال ها و کتیبه ها و سردرها و بادگیرها، هماهنگی رنگ و نور که یادآوری و نمادی از دریا، خورشید و هستی دارند همه تراویده از ذهن زنده، فعال و دور از هیاهوی پدیدآورندگان و صاحبان آنها بوده است و هنگامی که امروز به معماری زشت، بی هویت، کج و معوج با ارتفاعات نامتعادل نگاه می کنیم، به ماهیت بافت قدیم پی می بریم. هر چند که امروز همه امکانات و وسایل راحتی و دستگاههای گرمایش و سرمایش و روشنایی در خانه ها و آپارتمان ها وجود دارد اما قدیمی ها از همان امکانات محدود لذت می بردند. در همین بوشهر ما چهل، پنجاه سال پیش تعداد اتومبیل ها از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کرد اما مردم آسایش خیال داشتند و این ترافیک نفس گیر و اعصاب شکن اتومبیل ها که نفس از شهرها گرفته است و بوشهر هم از این قاعده مستثنی نیست. غوغای اندیشه کش موتورها و موتورسوارها که به هیچ صراطی مستقیم نیستند و کوچه و خیابان و چهارراه و پیاده رو را ملک موروثی خود می دانند. گرانی کمرشکن و بی رویه و دور از قاعده و قانون که نه تنها از طرف فروشندگان است بلکه ریشه در نهادهای مختلف ذیربط دارد و هزاران درد بی درمان دیگر، ریشه نهال اندیشیدن را خشکانده است و استثنا است اگر هنوز کسی به غیرت قلم و خواندن و نوشتن و گفتن ذهن و فکر خود را مشغول دارد و به آن همه کج مداری ها و کجروی ها فکر نکند و شبانگاه تا سحرگاه بنشیند و بخواند و بنویسد و دنیای غم زده و افسرده خود را شادمند و فرازمند سازد.

همه چیز را رها کنید و فقط به کوچه های بوشهر فکر کنید، و پی ببرید که چه پیچاپیچ و کج اندر کج ساخته شده اند و طراحی معماانگیز و دلاویز را برای دگرگونگی و عبور چپ اندر چپ باد و نسیم را احساس کنید که چه شوق آمیز و طرب انگیز، کرکره های شناشیرهای شعرانگیز را متأثر می ساختند و هشتی ها، پنجدری ها و پستوهای بالاخانه را با نسیم دل انگیز طرب آمیز می ساختند. طبیعی است که عشق در دگرگونگی حاصل است و جنون در دگرگونگی و معماری مهندسی خانه های طرب انگیز و نشاط آمیز قدیمی بوشهر در قابی از لطافت دیرینگی شکل و شمایل خود را آشکار می سازد.

روز بوشهر، روز دگرگونگی است. طاقت و شعر و شور و جنون عاشقی می طلبد در کوچه هایی قدم زدن که روزگاری قدم ها و گام های دلبری و نفس های سیمین بری را احساس کرده و بر خود بالیده است. زیرا که کوچه ها نه تنها گذرگاه تاجران و کاسبان و تجارت پیشگان بوده بلکه سیم تنان و زراندامان بسیاری نیز بر آنها بالیده اند و امروز می توانیم صدای نفس آنها را در کوچه های پیچ در پیچ و گذرگاه های خم اندر خم احساس کنیم.

روز بوشهر روز خاطره ها و روز یادآوری هاست. اگر به عشق نیندیشیم، لااقل به عاشقی بیندیشیم که دوست داشتن است و عشق ورزیدن و عشق به بوشهر بزرگترین است برای رسیدن و در روح خود محو شدن. روز بوشهر را گرامی بداریم به امید روزی که صادقانه بیندیشیم، صادقانه زندگی کنیم و صادقانه به حق بیندیشیم.

توسط انجمن زیست محیطی سوز (sooz) بوشهر:

بیانیه اعتراضی نسبت به ریشه کنی درختان بوشهر توسط شهرداری



انجمن زیست محیطی سوز (sooz) استان بوشهر طی بیانیه ای اعتراض خود را در خصوص قطع درختان خیابان شهید فکوری در بوشهر اعلام کردند.

متن این بیانیه ، به شرح ذیل است:

حفظ محیط زیست و محافظت از فضای سبز از جمله مهم ترین مسئولیت های مدیریت شهری در جهان امروز است.ارزشمندی محیط زیست و تلاش در جهت حفظ و نگهداری آن، تنها مقوله ای مربوط به نسل حاضر نیست که این مهم امانتی مربوط به نسل های آینده نیز می باشد.

متاسفانه شهرداری بوشهر و بخش فضای این نهاد مدیریت شهری در برخی موارد، کارکردی در تضاد با مسئولیت های خود را ایفا می کند. سازمان فضای سبز شهرداری بوشهر به جای ترویج درخت کاری و افزایش سرانه ی فضای سبز و همچنین کمک به زیبایی مبلمان شهری ، رویکردی بر خلاف این مسئولیت ها را در پیش گرفته و در تازه ترین عملکرد خود بیش از ۸۰ درخت را در بلوار شهید فکوری بوشهر قطع کرده است.

از اعضای شورای شهر بوشهر و به ویژه کمیسیون عمران این شورا در این خصوص انتظار نظارت بیشتر و پاسخگویی به این روند تخریبی محیط زیست می رود؟ همچنین شهردار بوشهر لازم است در خصوص عملکردهای سازمان های تابعه ی خود به افکار عمومی پاسخگو باشد و در این خصوص دلایل اقناعی شهرداری در قطع این تعداد اصله درخت را به افکار عمومی اعلام نماید؟

سازمان محیط زیست بوشهر نیز در این موارد لازم است توجه بیشتری معطوف کرده و بر این گونه رفتارهای تخریبی در سطح شهر بوشهر تذکرات لازم را به سازمان های متخلف داده و این گونه تخلفات را با جدیت پی گیری نماید.

انجمن زیست محیطی سوز بوشهر

خاطره ای خواندنی از آزاده سرافراز



محمد باقر رنجبر – آزاده سرافراز بوشهری

وقتی عراقی ها دو طرف، کابل و میله بدست می ایستادند آه از نهاد اسرای مظلوم بلند میشد. آه تونل مرگ، ترس تمام وجودمان را گرفته بود. دهانمان خشک شده بود، صدای ناله و ضجه بچه ها بیشتر آزارمان میداد. بسرعت از زیر کابلهای دشمن خواستم خود را رها کنم، ناگهان یکی از آنها با میله آهنی چنان برپیشانی ام زد که غرق در خون بر زمین افتادم. عراقی ها بیرحمانه مرا میزدند، چشمانم جایی را نمی دید، بی کس و بی پناه بودم، احساس می کردم که هرچه فریاد می زدم بجایی نمیرسید. ناگهان یاد بی کسی مولا حسین و یاد رفقایم در شیار شیخی که مظلومانه و تشنه لب شهید شدند، افتادم و با تمام وجودم فریاد زدم: «یا حسین»

عبداله مقاتلی مسئول گروه موسیقی شالو

موسیقی اصیل بوشهری همراه با تصویر

– به تازگی شاهد انتشار آلبوم تصویری گروه شالو می باشیم، لطفا درباره این آلبوم توضیح دهید.

– نخست جا دارد روز بوشهر و این جشن فرهنگی و هنری را تبریک عرض کنم. آلبوم تصویری گروه شالو، شامل کنسرت، کلیپ، بیوگرافی، پشت صحنه و عکس اعضا گروه می باشد. هر سه کلیپ موجود در این آلبوم با فضایی متفاوت و تصاویری از لنج و دریا، شالو (پرنده دریایی)، اسکله و اداره بندر، بافت قدیم بوشهر، ماهیگیری (به صورت هداک و کاسه) است.

در اجرای تصویری این کنسرت اکثر قطعات موسیقی بوشهر که شامل یزله خوانی، چوبی چهار دستمال، شروه، خیام خوانی، شکی، بندری، بیت خوانی می باشد اجرا شده است، به طوری که اگر یک شخص بوشهری بخواهد موسیقی بوشهر را به دیگر دوستان خود در شهرهای دیگر معرفی کند می تواند این آلبوم را پیشنهاد بدهد. زیرا این آلبوم سعی کرده گوشه ی کوچکی از موسیقی اصیل بوشهری را به صورت تصویری ارائه دهد.

– چه شد که به فکر انتشار این آلبوم تصویری افتادید؟

– بنده با توجه به استقبال خوبی که از آلبوم «مرد جاشو» توسط هموطنان عزیزم صورت گرفت به این فکر افتادم که کار بعدی گروه را به صورت تصویری ارائه دهم و تاکنون که هنوز چند روزی بیشتر از پخش این آلبوم نگذشته استقبال مردم بسیار خوب بوده است.

– در تهیه این آلبوم تصویری چه کسانی همکاری کرده اند؟

– جهت تهیه این آلبوم دوستان هنرمندی همکاری کرده اند که اسامی آنان بدین شرح می باشد: جعفر بهبهانی، حسین مظفری، بابک سعادت مهر، پوریا بهرام نژاد، عباس نجفی و همچنین مصطفی جبلی که زحمت تهیه سه کلیپ بر عهده ایشان بود.

– برنامه بعدی شما چیست؟

– برنامه بعدی گروه اجرای کنسرت در شهر بوشهر و تهیه یک آلبوم می باشد که این آلبوم که در حال ضبط و میکس آن می باشیم، تا یکی دو ماه آینده به بازار عرضه می گردد و شاید به جرأت بتوان گفت که با استقبال خوبی از طرف عزیزان همشهری صورت می گیرد و فعلاً بهتر است که در مورد کار جدید خیلی توضیح ندهم.

– سخن پایانی؟ اعضا گروه شالو از استاندار محترم و هنر دوست بوشهر جناب آقای سالاری که با فرمایشات خود از گروه های موسیقی بوشهر حمایت کرده و باعث دلگرمی اهالی موسیقی بوشهر می شود تشکر می کند و امید است دیگر مسئولان نیز از موسیقی بوشهر حمایت کنند. و همچنین از مدیران شرکت دریازاد بوشهر احمد باقری و جهانشاه سلطانی که با حمایتهای خود زمینه ی عرضه این آلبوم را فراهم نمودند، تشکر می کنم. و در آخر تشکر ویژه از اعضای گروه جناب آقای اسماعیل بختیاری آزاد تنظیم کننده و نوازنده آقای محمد خدری، آقای محمد مختارزاده، آقای امیر بحرینی، آقای امین فیروزپور، آقای مهدی روزرخ، آقای احمد بردک نیا و آقای سعید ساحلی.



موقعیت و ساختار قدیم بوشهر

شهر قدیم در محدوده فعلی بافت قدیم و در منتهی الیه شبه جزیره بوشهر، از سه طرف به دریا و از طرف جنوب به بارویی که در محل خیابان فعلی لیان از غرب به شرق امتداد داشته محدود بوده است.

در شرق آن تأسیسات بندر، تجارتخانه‌ها، کاروانسراها و بخشی از بازار قرار داشته است.

در غرب شهر بخش اداری – حکومتی شامل عمارت امیریه، کنسولگری انگلیس و چند کنسولگری دیگر مستقر بوده‌اند و فاصله بین این دو بخش را محلات مسکونی به خود اختصاص می‌داده‌اند. این محدوده شامل چهار محله اصلی با نام‌های بهبهانی، کوتی، شنبدی و دهدشتی بوده و هرکدام دارای مرکز محله‌ای در کنار مسجد بودند که تمام فعالیت‌های اجتماعی مردم حول این مراکز قرار داشته است.

